

TAKHASCOS

Monthly 148 - 149

تخصص
هنامه
از نگاه شورای متخصصان

شماره ۱۴۸ / ۱۴۹ دور سوم قوس / جدی ۱۳۹۹ خورشیدی
مطابق با دسامبر / جنوری ۲۰۲۰ - ۲۰۲۱ میلادی

ماہنامہ تخصص
اولیٰ نشراتی شورای تخصصان



مسابقات جام (حمایت شورای متخصصان از بسکتبال)

با قهرمانی تیم آریا پایان یافت

کارگاه آموزشی: مدیریت خشم



کارگاه آموزشی:
عوامل جامعه شناختی
قوم گرایی در افغانستان



کارگاه آموزشی: حکومت داری خوب



کارگاه آموزشی:
نظام های انتخاباتی



چگونگی حکومت؛ موضوع به حاشیه رفته در گفتمان‌های سیاسی افغانستان

طرح حکومت موقت سخن داغ محافل سیاسی این روزها در افغانستان شده است. طرحی که مخالفان و موافقان خود را دارد و بیشتر روی این موضوع تمرکز دارند که چه کسی باید حکومت کند. در حالیکه چگونگی حکومت کردن باید محور باشد. کشورهای که مدت طولانی درگیر جنگ داخلی بوده‌اند، راه‌های مختلف را برای بیرون رفتن از جنگ کاوش می‌کنند که یکی از این راه‌ها ایجاد حکومت موقت است. اندونز یا نیز یکی از تجربه‌های موفق تشکیل حکومت موقت را داشته است. تعدادی از سیاسیون و کارشناسان سیاسی افغانستان نیز با اشاره به تجربه این کشور، با ایجاد حکومت موقت موافقت دارند و تعدادی هم با اشاره به تجربه نا موفق حکومت موقت بعد از فروپاشی نظام کمونستی مخالف ایجاد این حکومت در کشوراند. افغانستان تجربه دو دور دیگر حکومت موقت را داشته، یکی در سال ۱۹۹۲ که بعد از فروپاشی نظام کمونستی ایجاد شد و بعد از تشکیل آن، جنگ داخلی در کشور شروع و خشونت‌ها شدت گرفت و کشور از توسعه‌های سیاسی باز ماند. اما، در سال ۲۰۰۱ بعد از امارت طالبان با پایداری سازمان ملل، حکومت موقت به رهبری حامد کرزی تشکیل شد که نسبت تجربه قبلی پذیرفته‌تر شناخته می‌شود. اما اوضاع افغانستان در برهه‌های مختلف متفاوت بوده است و در شرایط کنونی طرح حکومت موقت و دوام جمهوریت نیاز به کاوش بیشتر دارد.

مخالفان حکومت موقت را می‌توانیم به دو دسته تقسیم کنیم، یکی کسانی که می‌ترسند با آمدن حکومت قدرتشان را از دست بدهند، دوم، افرادی که نگران‌اند، افغانستان دوباره تجربه نخستین تشکیل حکومت موقت را داشته باشد. به نظر برخی از کارشناسان در شرایط فعلی افغانستان سه گزینه بیشتر وجود ندارد: حکومتی که طالبان در رأس آن باشند و دولت افغانستان فرع، دولت افغانستان به رهبری غنی باقی بماند و طالبان جز از آن باشند و یا دو طرف به تشکیل حکومت موقت موافقه کنند. حکومت افغانستان می‌گوید که خواهان دوام جمهوریت، اما طالبان این حکومت را نمی‌خواهند، درست است که هر دو طرف بیان می‌دارند که خواست‌شان وجود صلح پایدار در افغانستان است، اما در اصل هر کدام بر سهم گرفتن بیشتر قدرت تأکید دارند و چگونگی حکومت کاملاً به حاشیه رفته. بیشتر روی این موضع پرداخته شده که قدرت به چه کسی و چه گروه و یا فردی باید تعلق گیرد.

در حالیکه حکومت موقت نیز در بسیاری از کشورهای درگیر جنگ داخلی جوابگو بوده است، اما در افغانستان نیازمند تحلیل و تحقیق کارشناسانه است. می‌توانیم بگوییم آمدن حکومت موقت باعث ختم جنگ در افغانستان نمی‌شود و نه هم می‌توانیم بگوییم نباید طرح حکومت موقت در افغانستان اشتباه است، چون ما تجربه نسبتاً خوبی نیز از حکومت موقت داشته‌ایم. مراجعه به آرا عمومی یکی از راه حل‌ها برای طرح حکومت موقت و دوام جمهوریت در افغانستان می‌تواند باشد. عمده حرف این است، حکومت‌داری خوب باید محور باشد تا فرد و گروه‌های که در قدرت سهم هستند. در طی چند سالی که آقای غنی رهبر حکومت بوده، افغانستان از لحاظ شاخص‌های حکومت‌داری خوب سقوط کرده بنابر این چه چه سردادان برای دوام آن بیپوده بوده و چیزی جز قدرت طلبی را بیشتر نشان نمی‌دهد.

آنچه پیداست، دو طرف بیشتر بر تقسیم‌بندی قدرت در جدال هستند، تا کلنجار رفتن به موضوع صلح پایدار و توسعه سیاسی در افغانستان. بنابراین طرح حکومت موقت و دوام جمهوریت باید با مراجعه به آرا عمومی و تحقیق کارشناسانه صورت گیرد. نه اینکه هر کدام سعی داشته باشند تا سهم بیشتری از قدرت داشته باشند. اما در حال حاضر توسعه سیاسی، حکومت‌داری خوب و صلح پایدار در کشور برای مردم خواب است و خیال!

عناوین

- ۱) سرمقاله ۱
- ۲) عقل و شهود در اندیشه عارفان ۳ و ۲
- ۳) تبارشناسی جریان‌های سیاسی ۴ الی ۷
- ۴) گفت و شنود با سوسن بهبود زاده ۸
- ۵) آگاهان در هرات: صلح در افغانستان ۹
- ۶) معلمان هرات: ما از دولت خیرات نه! ۱۰
- ۷) مسابقات جام حمایت‌شورای متخصصان ۱۱
- ۸) آزادی بیان در افغانستان و چالش ۱۲ و ۱۳
- ۹) کارگاه آموزشی: نظام‌های انتخاباتی ۱۴
- ۱۰) تجلیل از باتمسو هشتادمین سالروز ۱۵
- ۱۱) مشارکت سیاسی زنان ۱۶ و ۱۷
- ۱۲) حمله سایبری چیست؟ ۱۸ و ۱۹
- ۱۳) کارگاه آموزشی: عوامل جامعه‌شناختی ۲۰
- ۱۴) تصاویری از آرامگاه خواجه طاقی (ع) ۲۱
- ۱۵) کارگاه آموزشی: حکومت‌داری خوب ۲۲
- ۱۶) رونق تولید انبساطی تزئینی از سنگ مرمر در ۲۳
- ۱۷) تغییرات اقلیمی اثرات و پیامدهای آن ۲۴ و ۲۵
- ۱۸) افغانستان در تولید ۵۶ نوع کالای مصرفی ۲۶
- ۱۹) آمریکا روند صدور ویزای ویژه مهاجرت ۲۷
- ۲۰) کارگاه آموزشی: مدیریت خشم ۲۸
- ۲۱) ادامه مطلب تغییرات اقلیمی اثرات و ۲۹ و ۳۰
- ۲۲) زنان ولسوالی‌های هرات خواهان تأمین ۳۱
- ۲۳) فعالان حقوق زن در هرات: در زمان شیوع ۳۲

صاحب امتیاز:

شورای متخصصان

مدیر مسئول: الحاج محمد رفیق شهیر

هیئت تحریر: محمد ناصر رهیاب،

سید معیدالحق موحدی، عبدالرحیم امید،

داکتر عبدالقیوم قائم، انور شاه یوسفی و صلاح‌الدین جامی.

گزارشگر: فریا اکبری

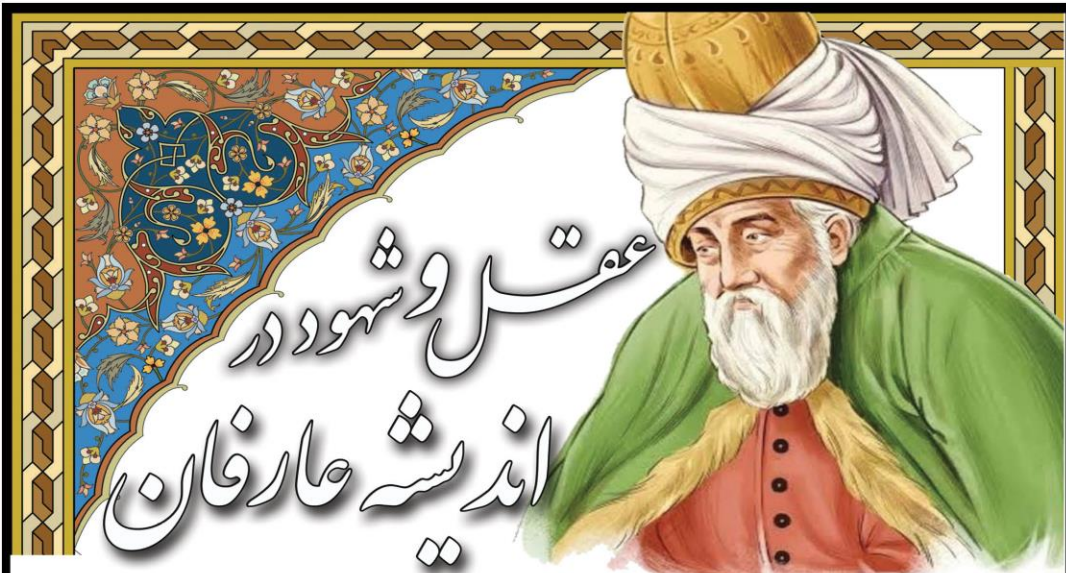
طراح جلد و صفحه آرائی: عبدالحق مرادی

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

قیمت ۲۰ افغانی

نشانی: دفتر شورای متخصصان هرات، مقابل ریاست

مخابرات، تعمیر بیهود زاده منزل دوم



انسانی که خود را از رهنمودهای وحی الهی بی نیاز و مستغنی بداند و تنها عقل را معیار قرار بدهد به راستی که در دام هوس‌های نفسانی اسیر می‌شود که این خودش بندگی و اسارت است.

عقل صرفاً اسیر احساسات و هوس‌های انسانی است و باید این طور باشد. عقل به جز این دیگر کاری ندارد که این احساسات را پرستش نموده و از آن اطاعت نماید. خلاصه بشر با عقل خالص توانسته است به هدایت برسد چون خالص بودن عقل و آزاد شدن آن از اثرات درونی و برونی تقریباً ناممکن است. به هر حال، هیچ آیینی را نمی‌توان یافت که به اندازه اسلام عقل و اندیشیدن و صاحبان تفکر و اندیشه را مورد اکرام و احترام قرار دهد، و انسان را به اندیشیدن و تفکر فراخوانده و به تعقل و تدبیر تشویق نموده باشد. این عقل است که انسان را در جستجوی هدایت مسوول می‌گرداند. و این عقل است که نبوت و صداقت پیامبر را از طریق معجزات دال بر صداقت او بر اساس دلالتی عقلی به اثبات می‌رساند. و پس از آن است که عقل برای دریافت و تلقی وحی که نیرویی برتر از اوست، خود را برکنار می‌نماید.

علامه اقبال لاهوری می‌نویسد، "دین، که جوهر آن ایمان است و ایمان هم چون پرندهای بی وقت پرواز بدون توجه به نیروی عقل و بی وجود راه یا معبری، مسیر خود را می‌یابد." نباید فراموش کرد که این عقل و عقلانیت به معنی تنزل و نفی آن نیست بلکه شناختن حقیقت آن در محدوده کاربست آن است. قرآن عظیم‌الشان در آیات بسیاری انسان را به خرد ورزی، اندیشه ورزی، کاربست عقل و بصیرت و درس آموختن از رخدادهای هستی و تاریخ فرا می‌خواند. درست آن است که خلافت انسانی در هستی جز با خردی که در جهان ماده به مشاهده، استنباط، استقرا و تجزیه و تحلیل بپردازد، صورت نمی‌بندد.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

می‌شوند و اگر شیطان شهبه‌ای در ذهن‌شان ایجاد کند، چه بسا همچون نابینایان به زمین خورند. چنین انسان‌هایی، مثل این است که برای راه پیمودن از پای چوبی استفاده می‌کنند و معلوم است که پای چوبین چه قدر از تمکین و استقرار کم و غیر قابل اعتمادی برخوردار است.

خلاصه این که استدلال‌های متعارف تا مرهله‌ای می‌تواند ما را جلو ببرد و از آن به بعد باید فکر دیگری کرد. مهم‌ترین کارکرد فلسفه و امثال آن تا جایی است که ما را به دامان وحی برساند. پس از آن سعادت و حتی افزایش علم مفید، منوط به التزام ما به دین است، و این طریق است که انسان را به مراتب عالی‌تر علم می‌رساند، علمی که دیگر بنایش بر ظن و گمان نیست و با هر شهبه‌ای سست نمی‌شود. به وسیله بحث و استدلال علم کلام متکلمین کیفیت یقین و حلاوت ایمانی به دست نمی‌آید، زیرا هر متکلمی که از سر تقلید دلایل و براهین نقل می‌کند و چیزهای آموخته‌ای را بیان می‌کند، خودش بی روح، و از ذوق کیفیات محروم است.

این خلدون در مقدمه خویش می‌نویسد: "عقل به منزله یک ترازو است، قضاوت‌های آن قطعی هستند در آن هیچ گونه دروغی نیست، اما شما به هیچ وجه نمی‌توانید با این ترازو امور توحید، آخرت، حقیقت نبوت، حقایق صفات الهی و سایر حقایق ماوراء عقل را اندازه‌گیری نمایید. البته به این معنی نیست که کار ترازو غلط است، بلکه دلالت بر آن می‌کند که نیروی ترازو محدود است."

حضرت امام محمد غزالی (رح) درباره نظریه یونانیان در باب معرفت الهی در کتاب «تهافت الفلاسفه» می‌نویسد: این‌ها صرفاً ادعاها و تحکیمات بلکه تاریکی‌های تو در تو و متراکم هستند. به راستی که اگر شخصی چنین خوابی را تعریف کند، دلیل بر سوء مزاج او خواهد بود.

مبحث معرفت‌شناسی و تجربه‌ی عرفانی از منظر «عقل» و «شهود» از دیرباز در عرفان اسلامی مطرح بوده است. و عرفای اسلامی، نظر به تجربه و معرفت خویش، دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. این نوشتار می‌کوشد نگاهی به جایگاه عقل و شهود در اندیشه عارفان مسلمان داشته باشد.

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مخالف درک معرفت الهی با «عقل محض» است و عقلی را که پایبند مقدمات و محسوسات می‌باشد به نام عقل جزئی نامیده است. از نظر او میوه‌ی این درخت، اوهام و شکوک‌اند. و وطنش عالم ظلمات است، آن برای عقل باعث بنامی و برای انسان انگیزه ناکامی است. از نظر مولانا ترتیب مقدمات استدلال، نتیجه‌ی استخراج یک روش مصنوعی است و از آن نتایج بسیار ناقص و محدودی به دست می‌آید، اثبات حقایق دینی از آن مانند سفر کردن و راه رفتن با پای مصنوعی و چوبی شکل است از همین رو این تمثیل مولانا ضرب المثل مشهور شده است:

پای استدلالیان چوبین بود

پای چوبین سست و بی تمکین بود

اهل استدلال و محاجه در معرفت الهی نیز مانند کسانی هستند که پای طبیعی و سالم ندارند. در مشی و مشرب خود متزلزل و سست و لرزان هستند و در طریق حقیقت نمی‌توانند درست راه بروند. زیرا به جای شهود، استدلال را پای خود ساخته‌اند.

مقصود این است که آنها که در الهیات صرفاً اهل استدلال‌های رسمی و متعارف هستند، و به مرحله علم‌الیقین و عین‌الیقین نرسیده‌اند، در مسائل غامض و دقیق، دستشان از حقیقت کوتاه است، و در آن وادی بنای استدلال‌شان بر ظن و گمان است، و به همین دلیل، این بنا، گاه با نیم وهم و شهبه‌های سرنگون شده و ایشان در گمان و تردید و حیرت رها



ادامه مطلب

خرد آدمی در جولان گاه خود به یافتن حقایق از کوچک ترین ذره در جهان ماده آغاز می کند و تا اثبات آفریدگار هستی و دارنده ی تمام صفات کمال، به پیش می رود. هنگامی که در آن سوی این جولانگاه، حوزه ی جهان غیب آغاز می شود، خرد می ایستد و به پیش نمی رود؛ چون این حوزه مربوط به وحی آسمانی است. خلدوند جولان گاه عقل را در جهان ماده مشخص کرده است.

علامه اقبال نیز به این نظر است که تحقیق در زمینه ی اصول عقلی در اسلام با شخص پیامبر (ص) شروع شده. دعای همیشگی ایشان این بود که: اللهم ارنا الاشياء كما هي. پروردگارا! توانایی دریافت حقیقت غائی اشیا را عطایم کن!.

از طرف دیگر عده زیادی از عرفا به این نظرند که، شهود (وصل) معیت حق است.

و حقیقت کشف و شهود، خروج از حجاب است و حجاب، مانعی است که دیده بنده به وسیله آن از جمال حضرت حق محجوب می گردد. چون سالک صادق به جذب ارادت از اسفل سافلین طبیعت روی به اعلی علین گذارد و با قدم صدق، جاده طریقت را بر قانون شریعت و مجاهدت طی کند، از هر حجاب که گذرد، دیده مناسب آن مقام گشوده شود. نخست دیده عقل باز گردد و به قدر رفع حجاب و صفای عقل، معانی معقول روی نمایند و اسرار مقولات کشف شوند. این را کشف نظری می گویند. بعد از آن، مکاشفات دل و شهود قلب است که چون از کشف نظری عبور کند، انوار مختلف تجلیات الهی بر جان سالک نشیند. کشف الهامی - که آن را کشف سری نیز گویند - با ظهور اسرار آفرینش و حکمت وجود هر چیز رخ می دهد.

مکاشفات روحی یا روحانی، آن است که چنات و جحیم و ملائک با آن مکشوف گردند. چون روح به کلی صفا گیرد و از کدورت های جسمانی پاک گردد، عوالم نامتناهی مکشوف می گردد و دایره ازل و ابد پیش دیدگان سالک قرار می گیرد و حجاب زمان و مکان بر می خیزد چنان که حارثه گفت: کانی انظر الی اهل الجنة يتزاوون، و الی اهل النار يتعاوون.

بیشتر کرامات، به قبیل اشرف بر خواهر، اطلاع بر منیبات، عبور بر آب و آتش و هوا و طی الارض، در این مقام روی می دهند.

بعد از کشف روحی، مکاشفات خفی پدید می آید. روح در مقام خفای خود، واسطه دو عالم جسم و ملکوت قرار می گیرد و فیضان نور عقل کلی را می پذیرد و آثار انوار ملکوت را به نفس و تن می رساند؛ در عین حال که وساطتی میان عالم صفات الهوی و عالم روحانیت دارد. ارمغان کشف خفی، علم لدنی است.

سرانجام، کشف ذاتی است که مرتبه ای بس بلند دارد که شیخ نجم الدین رازی از بیان آن اظهار عجز کرده، تنها بیتی را به صورت رمز نجوا می کند:

تا بر سر کوی عشق تو منزل ماست
سر دو جهان به جمله کشف دل ماست
و آن جا که قدمگاه دل مقبل ماست
مطلوب همه جهانیان حاصل ماست

عرفاء مسلمان زیادی از جمله پیر هرات خواجه عبدالله انصاری، شیخ شهاب الدین سهروردی، ابن عربی و ده ها عارف دیگر پیرامون شهود، کیفیت، فضیلت و مراتب آن سخن ها گفته اند.

از جمله اقبال لاهوری به این نظر است: شهود ملک مطلق قلب است نه سرمایه ذهن و عقل. ذهن یا اندیشه فقط جهان ظاهری و پدیداری را درک می کند، یعنی وجهی از حقیقت را که با ادراک حسی آشکار می شود، به هر حال، قلب ما را در طریقی با چهره حقیقت آشنا می کند که آن طریق بر ادراک حسی گشوده نیست. از این گذشته، اندیشه پیوسته «بر گرد ممرکات حرکت می کند» کارش این است که حقیقت را به مدد مقولات به چنگ آورد. این مقولات هر چه باشند، ساخته و پرداخته خود ما هستند.

مثل «برجسب های» که بر اشیا می چسبانیم. حال آن که چنین برجسب هایی اصلاً بر اشیا نمی چسبند. بنابر این، اندیشه هرگز نمی تواند اشیا را جز به نسبتی که با ما در ارتباط هستند، دریابد. از این رو هر شناخت و معرفتی که از اندیشه حاصل شود، نسبی و اعتباری است. در نتیجه چنین معرفتی، همیشه ظاهری است، ولی با شهود و از طریق قلب می توانیم «خود» خویش را تعالی بخشیم و به سوی وجود مطلق عروج کنیم.

این تجربه شهودی احساس منحصر به فردی است که مانند تجربه ادراکی، حقیقت کل را مکشوف می دارد. به علاوه از آن جا که شهود، عاطفی است فرق مهم دیگری نیز با اندیشه دارد. معرفت حاصل از اندیشه اصولاً قابل انتقال به دیگران است، زیرا فکر، مدرکات خود را از طریق مفاهیمی به چنگ می آورد که در قالب کلام بیان می شوند و به کار همه می آیند، ولی شهود، عاطفه است و عاطفه را نمی توان به دیگران انتقال داد.

اقبال لاهوری در جایی دیگر می گوید:

عقل و شهود اساساً ضد یکدیگر نیستند، بلکه هر دو از یک ریشه سر بر می کنند و مکمل یکدیگرند، منتها آن یک حقیقت را به تدریج در می یابد و این یکباره، یکی چشم بر جاودانگی حقیقت می دوزد و دیگری نظر بر جنبه ناپایدار آن دارد. یکی لذت حضور همه ی حقیقت را در می یابد و دیگری خردک خردک در پی درک تمامی آن است و به منظور این دریافت همه ی راهها را برای معاینه انحصاری خود می بندد. هر دوی آن ها برای بازسازی خویش، نیازمند یکدیگرند. آن حقیقت که مورد نظر هر دو است، خود را به میزان وظیفه ای که در زندگی به عهده دارند، به آن ها می نمایاند.

سرانجام، حضرت شیخ احمد فاروقی سرهندی، مجدد الف ثانی (رح) به این نظر هستند که هم عقل و هم کشف (شهود) از ادراک یقینی امور غیبی و علوم ماورای عقل و معرفت صحیح ذات و صفات الهی و حقایق قطعی الثبوت عاجز و قاصر هستند و نتایجی که از طریق عقل و کشف حاصل شود نمی توان آن را از خطا و لغزش و سوء فهم مبرا دانست. بلکه معرفت صحیح حق تعالی از طریق انبیاء به دست می آید. همان طور که مرتبه «عقل» ماورای «حواس» است، مرتبه «نبوت» نیز ماورای «عقل» است. روش درست تعظیم پروردگار منحصر در نبوت و تعالیم انبیا می باشد.

ایشان بر این نظر هستند که «عقل» و «شهود» هر دو سرشتینان یک کشتی اند. و ایشان از بین عرفاء اسلامی اولین کسی هستند که درک حقایق الهی را توسط عقل و شهود ناممکن اعلان کردند. این تحقیق و نظریه حضرت امام ربانی اکتشافی بزرگ و اندیشه ای انقلابی در جهان علم و اندیشه و عرفان می باشد که متأسفانه قدر و اهمیت آن چنان که باید هنوز درک نشده و در صورتی که جا داشت محققان و پژوهشگران پیرامون آن به تحقیق و جستجو بپردازند و آن را شرح و تفصیل دهند.

از نظر ایشان اهل عقل و اهل اشراق هر دو در معرفت کامل الهی دچار وهم و نادانی شده اند زیرا عقل و اشراق هر دو برای تحصیل یقین و وصول الی الله ناکافی هستند، نبوت یگانه راه معرفت ذات و صفات الله و احکام الهی است.

به خاطر داشته باشیم که عقل در انجام وظیفه اش (اکتشاف و تحقیق و استدلال) آزاد نیست، بلکه پیوسته به چیزهایی کمتر از خود احتیاج دارد، کار عقل این است که به وسیله محسوسات، معلومات و تجربیات، اشیا غیر محسوس و غیر معلوم را تشخیص دهد و به کمک معلومات و مقدمات حاصل شده به نتایجی برسد که قبلاً دسترسی به آن به وسیله حواس و تجربه ممکن نبوده است. روشن است که هر جا حواس انسانی نتواند کاری انجام بدهد و تجربه هم به آنجا راهی داشته باشد، اساس و مقدمات قیاس هم فراهم نباشند، قطعاً در چنین مواردی عقل و فکر و قیاس عقلی نمی تواند کاری انجام دهد. در چنین مواردی است که عقل مانند یک انسان می ماند که بدون کشتی نمی تواند از دریا عبور کند. نیروهای عقل و دایره کار آن محدود است، به طوری که نمی تواند خارج از آن فعالیت نماید، همچنان که سایر حواس انسان در دایره محدود خود عمل می کنند.

امام ربانی در یک مکتوب می فرماید: عقول ما بی تأیید انوار نبوت از این کار معزول است و افهام ما بی توسط وجود انبیاء (ع) از این معامله دور. در ادامه می گویند: عقل هر چند حجت است اما حجت باثنه نیست.

مجال است سعیدی که راه صفا توان رفت جز در پی مصطفی

ایشان طی مکتوبی می نویسند: باید دانست که مقلد انبیا بعد از اثبات نبوت ایشان و بعد از تصدیق رسالت شان (ع) از مستدلان است و تقلید او مر سخنان این اکابر را در این وقت عین استدلال است، مثلاً شخصی که اصل را با استدلال ثابت نموده باشد در این وقت فروعی که از آن اصل ناشی گردند هم مستند به آن استدلال خواهد بود و با استدلال اصل در اثبات جمیع فروع مستدل خواهد بود.

منابع و مأخذ:

- امام غزالی، تهافت الفلاسفه
- امام غزالی، المنقذ من الضلال
- امام ابوالحسن ندوی، تاریخ دعوت و اصلاح، ج ۴
- مفتی تقی عثمانی، تجددگرایی در اسلام
- ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون
- بازسازی اندیشه دینی در اسلام، اقبال لاهوری
- مابعد الطبیعه اقبال، نوشته توسط پروفیسور انور، محقق و اندیشمند پاکستانی
- منازل السائرین، خواجه عبدالله انصاری



تبارشناسی جریان‌های سیاسی با توجه به شکاف شهر-روستا در افغانستان

داوود عرفان، دانش‌آموخته‌ی علوم سیاسی



تبارشناسی جریان‌های سیاسی در افغانستان نشان می‌دهد که شش جریان عمده‌ی سیاسی در تاریخ افغانستان قابل شناسایی است. جریان‌هایی چون سلطنت، مشروطیت یا دموکراسی خواهی، ملی‌گرایی، چپ‌گرایی، اسلام‌گرایی و بنیادگرایی یا نوبنیادگرایی بازیگران اصلی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور بوده‌اند (شفایی، ۱۳۹۳). بررسی جریان‌های فوق نشان می‌دهد که تقریباً تمام جریان‌های سیاسی افغانستان، خاستگاهی روستایی دارند. قابل توجه است که تمام جریان‌های فوق، (به استثنای شعله‌ی جاوید، جریان چپ متمایل به مائوسم) قدرت دولتی را تجربه کرده‌اند و اقدامات آنها در تبیین جامعه‌شناسی رابطه‌ی دولت و جامعه در افغانستان نقش بارزی داشته است.

جریان سلطنت

جریان سلطنت از قدیمی‌ترین جریان‌های سیاسی افغانستان به شمار می‌رود. هواخواهان چنین جریانی از زمان احمدشاه ابدالی مؤسس افغانستان تا حداقل دوره‌ی جهاد در سیاست افغانستان دخیل بوده‌اند. احزاب شاخصی چون مساوات، محاذ ملی-اسلامی و جبهه‌ی نجات ملی (شفایی، ۱۳۹۳) داعیه‌ی سلطنت طلبی داشته‌اند. این جریان از دو جهت با روستا و فرهنگ قبیله‌ای مرتبط است. نخست اینکه؛ مشروعیت سنتی و توسل به لویه‌جرگه، از مبانی فکری این جریان به شمار می‌رود و دوم اینکه؛ رهبران حداقل دو حزب عمده‌ی سلطنت خواه (محاذ ملی-اسلامی به رهبری پیر سید احمد گیلانی و جبهه‌ی نجات ملی به رهبری حضرت صبغت‌الله مجددی) از قشر روحانیون سنتی (پیر) به شمار می‌روند. این قشر روحانی که در روستاها میردان زیادی دارند؛ یکی از منابع مشروعیت قدرت سلطنت در روستاها را به شمار می‌روند (گریگوریان و

یوانز).

جریان

چپ‌گرایی

جریان چپ در افغانستان، بیشتر در سه حزب عمده‌ی خلق، پرچم و شعله‌ی جاوید تجلی یافته است. هر چند

احزاب چپ در محیطی شهری

زاده شدند و رشد و نمو یافتند؛ اما پیوند

آنها با روستا هیچگاه قطع نشد. در حقیقت

در زمان تشکیل احزاب چپی ۸۰ درصد مردم

افغانستان را مردم فقیر روستایی تشکیل

می‌دادند (عبدالوکیل، ۱۳۹۵: ۴۳). بسیاری از

رهبران چپ خاستگاهی چپی داشتند. ترکی

خود کوچی بود و پس از به قدرت رسیدن‌اش،

تلویزیون دولتی زندگی او را در یک خیمه‌ی

ساده به تصویر می‌کشید. عبدالقادر قهرمان

اصلی کودتا خود در گفتگویی با دکتر

عبدالغفور آرزو اذعان می‌دارد که او فرزند

چوپانی از روستایی دور افتاده در بنام «برناباد»

در ولسوالی/شهرستان غوربان هرات بود که

پله‌های قدرت را تا رهبری کودتا و حذف

رئیس جمهور داوودخان پیمود (آرزو، ۱۳۹۲:

۱۵). ثریا بها بارها در کتابش به نام رها در

باد، از مناسبات حاکم روستایی در خانواده‌ی

دکتر نجیب‌الله آخرین رئیس جمهور حزب

دموکراتیک خلق یاد می‌کند (بها، ۱۳۹۲).

روستا یکی از موضوعات اختلاف حزب شعله‌ی

جاوید یکی دیگر از احزاب جریان چپ، با

پیروی از نظریه‌های مائو تسه دونگ رهبر

حزب کمونیست چین، با احزاب خلق و پرچم

که

بیشتر متأثر از ایدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم بودند؛ است. شعله‌ای با تمسک به نظرات مائو، طرفدار انقلاب از روستا و پیش روی به سوی شهر بودند و خلقی‌ها و پرچمی‌ها با تأسی از مارکسیسم-لنینیسم، به انقلاب شهری باور داشتند (مشعوف، ۱۳۹۷).

جریان چپ افغانستان از چند جهت دیگر نیز با روستا پیوند می‌خورد. در دوره‌ی حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نورمحمد ترکی اولین رئیس جمهور خلقی، با فرمان‌هایی که صادر کرد؛ در قدم نخست، بر مناسبات روستا تأثیرگذار بود (فرهنگ، ۱۳۸۵: ۹۵۵) از طرف دیگر؛ مخالفت با اصلاحات حکومت کمونیستی نیز از روستاها کلید خورد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان، برای مهار بحران مجبور شد که دست به دامان روستائیان شود و برای اولین بار در تاریخ کشور، از ملیشه‌هایی استفاده نماید که خاستگاهی روستایی داشتند (جیوستوزی، ۱۳۸۶: ۲۲۱). «کرستین برینی» از نویسندگان غربی در تحقیقی به شکاف شهر-روستا در زمان حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اشاره می‌کند:

ادامه مطلب در صفحه بعدی



«آقای صالح محمد زیری»، یکی از مسئولان کهنسال کمونیست که «ستیل» توانسته بود رد پای وی را در ساختمانی ساده و معمولی در لندن پیدا کند، مقاومت مردم را به این عبارات شرح می‌داد: «در آغاز، روستائیان خشنود بودند، اما وقتی فهمیدند که ما کمونیست هستیم، رفتار وسلویشان را [نسبت به ما] عوض کردند. سرتاسر جهان علیه ما بود. مردم می‌گفتند که ما به اسلام ایمان نداریم، و البته! پر بیراه هم نمی‌گفتند.

آنها به خوبی می‌دیدند که نماز نمی‌خوانیم، زنان را از سنگینی بار جهیزیه رها نکرده بودیم و همین مردم می‌گفتند که ما هوادار بی‌بند و باری هستیم». عضو پیشین دیگر حزب دموکراتیک خلق افغانستان که او نیز در پایتخت بریتانیا رحل اقامت افکنده است، بیاد می‌آورد که رهبران حزبی که به قدرت رسیده بود «می‌خواستند بیسواد را در ظرف

پنج سال ریشه کن سازند: خواب و خیالی مسخره. مردم به طرح اصلاحات ارضی دل نمی‌دادند. حاکمان بخشنامه‌هایی با ظاهر انقلابی صادر می‌کردند که می‌خواستند به زور به کار بندند. جامعه آماده نبود. با مردم رایزی نکرده بودند.» (پرتی، لموند دیپلماتیک).

نتیجه‌گیری پرتی بر این فرضیه استوار است که «اصلاحات حزب دموکراتیک خلق

افغانستان که در اضطرار بدان پرداختند از گزند شکاف و گسل کهن میان شهرها و روستاها در جامعه افغانی برکنار نماند. جوانان شهرنشین آرمان گرا و درسخوانده چیزی از سپهر روستائی سر در نمی‌آوردند و می‌خواستند ترکیب دیگری بدان بخشند، در حالی که ساکنان دهکده‌ها با دیوارهایی از خشت خام، هیچگونه همدلی با دیوانسالاری شهری نشان نمی‌دادند. از اینرو جای شگفتی نبود که ابعاد اجتماعی و فرهنگی اصلاحات کسانی را خوش نیاید، زیرا امتیازات ملایان و مالکان (کدخدایان) و صاحبان اراضی گسترده را تهدید می‌کرد؛ اما آزار دهنده‌تر آن بود که دهقانان مؤمن، جنبه‌های اقتصادی ترقیخواهانه برنامه را نیز یکسره بر نمی‌تافتند.» (پرتی، لموند دیپلماتیک).

بحران در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان، از دو جهت با روستا پیوند عمیقی برقرار می‌سازد. از یک سو؛ حاکمیت به درستی نتوانسته بود تفاوت جامعه روستایی- قبیله‌ای افغانستان را با جامعه اروپایی و روسی که خود را ملزم به تبعیت از آنها می‌دانست؛ درک کند (فرهنگ، ۱۳۸۵: ۹۹۴) و از سوی دیگر؛ برای مهار انقلاب روستائیان به ملیشیای روستایی متوسل شد که حضور سنگین این ملیشاهل، در رقم زدن آینده‌ی دردناک حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سقوط آن در سال ۱۳۷۰ مؤثر بود.

جریان اسلام‌گرایی / بنیادگرایی

امان‌الله شغابی در کتاب جریان شناسی تاریخ افغانستان معاصر، احزاب اخوانی چون جمعیت اسلامی و حزب اسلامی و جریان تصوف در بین اهل سنت و احزابی چون حرکت انقلاب اسلامی و حزب وحدت اسلامی در بین اهل تشیع را جریان اسلام‌گرایی می‌نامد.



خارجی و اشتباهات حزب دموکراتیک خلق افغانستان می‌دانند؛ اما تقابل شهر- روستا در این میان مورد توجه قرار نگرفته است. مجاهدان، چریک‌های روستایی هستند که در نخست در مقابل اقدامات دولت کمونیستی طغیان می‌کنند و سپس در برابر تجاوز ارتش سرخ می‌رزمنند. رهبران و فرماندهان مجاهدین از مناطق روستایی افغانستان برخاسته بودند و با تلفیق شریعت با فرهنگ قبیله‌ای، مناسبات جامعه سنتی افغانستان را دگرگون ساختند و برای نخستین بار قوماندان/ فرمانده جهادی با شورا و شریعت به اداره‌ی امور محلی پرداختند.

اما به این معنی نیست که مجاهدین از سیاست واحد شرعی و عرفی در قضا یا برخوردار بوده باشند. مجاهدین بنا بر جامعه موزاییکی افغانستان، در احزاب گوناگون با افکار متفاوتی رشد کردند. تقسیم بندی مذهبی و قومی در احزاب سیاسی مجاهدین کاملاً مشهود است و بنا به چنین تقسیم بندی ای سیاست‌های مجاهدین مناطق مختلف افغانستان شکل می‌گرفت. مجاهدین هیچگاه نتوانستند از خود تشکلی همبسته و همسورا تبارز دهند. اختلافات گوناگون مجاهدین که خود معلول جامعه رنگین‌کمانی افغانستان بود؛ در نهایت جنگ‌های خانمان سوزی را

باعث شد. همان گونه که شورش مجاهدین در مقابل اصلاحات دولت کمونیستی، از بستری روستایی برخاست؛ تداوم جنگ در زمان پیروزی مجاهدین هم در بستری روستایی شکل گرفت. اگر قیام مجاهدین شورش پنهان روستا علیه شهر تلقی می‌گردد؛ جنگ‌های بعدی مجاهدین هم صف آرای روستا در مقابل روستا برای حفظ موقعیت بر شهر تلقی می‌شود. گروه‌هایی از مجاهدین با سلطه بر شهرها، بر مظاهر شهری تاختند و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، در هر گوشه کنار افغانستان انواع خاصی از عملکردهای فرهنگ قبیله‌ای را به نمایش گذاشتند.

ادامه مطلب در صفحه بندی



اکثر کارشناسان مسایل افغانستان به بخش کوچک شهری در بین مجاهدین اذعان دارند؛ اما در مورد خاستگاه طالبان بین کارشناسان داخلی و خارجی مسایل افغانستان اتفاق نظر وجود که دارد که طالبان روستاییانی اند به بهانه‌ی تأمین امنیت ایجاد شدند، دولت تشکیل دادند و در جنگ داخلی افغانستان نقش بازی کردند و اکنون علیه حضور نیروهای خارجی و دولت برآمده از کنفرانس بن می‌جنگند (مهدوی، ۱۳۹۳؛ مزده ۱۳۸۲؛ احمد رشید، ۱۳۸۷).

محیط تربیتی طالبان، مدارس دینی پاکستان است، مدرسی که به دلایلی چون فقر و عدم اعتماد مردم روستایی به مدارس عصری، توانسته‌اند از مناطق روستایی افغانستان سربازگیری کنند. محیط تربیتی طالبان چه در روستا و چه در مدارس دینی به شدت ضد مظاهر شهری عمل کرده است. وحید مزده از مشاوران طالبان بر این نظر است که طالبان نسلی‌اند که از درون کمپ‌های مهاجرین در پاکستان و در مدارس دینی پاکستان سر برآوردند: «... در حالی که از کمپ‌های مهاجرین در پاکستان، مردان جوان دسته دسته به عزم جهاد عازم افغانستان می‌شدند، در این کمپ‌ها نسل جدیدی در حال رشد بودند. نسلی که خیمه‌ها و خانه‌های گلی محقر کمپ‌ها، زادگاه یا محل رشد آنان بود، یا کشور خود را ندیده بودند و یا در هنگام ترک کشور، اطفال کم سن و سالی بیش نبودند. بعضی از خانواده‌ها فرزندان خود را به مدارس کمپ‌ها، که در آن علوم عصری (روز) و علوم دینی یکجا تدریس می‌شد، می‌فرستادند؛ اما در میان بعضی از خانواده‌های روستایی، این اندیشه وجود داشت که تعلیمات عصری، موجب گمراهی جوانان و دوری آنان از دین می‌گردد. در افغانستان مدارس عصری را مکتب می‌نامیدند و از نظر این گونه خانواده‌ها، اگر مکتبی بودن با کفر مترادف نبود، لاقبل نوعی گمراهی و دوری از دین را تداعی می‌کرد، زیرا آنان کمونیسیم را زاده‌ی تعلیمات همین گونه مکتب می‌دانستند. این گونه خانواده‌ها، به جای اینکه فرزندان خود را راهی مدارس عصری سازند، به مدارس دینی می‌فرستادند. اطفال خانواده‌های تهیدست که پدران‌شان در جهاد به شهادت رسیده بودند و توان تهیه غذای لازم برای اطفال متعدد خویش را

نداشتند، ترجیح می‌دادند که اطفال خود را به این مدارس بفرستند. در دوران جهاد، توجه به علوم دینی به شدت افزایش یافت و علمای دین قدرتی فوق‌العاده یافتند. مردم به فتوای علمای دین به جهاد آغاز کردند و به این ترتیب، این گروه که در گذشته در سلسله مراتب اجتماعی، در سطح پایین قرار داشتند، در صدر قرار گرفتند... اطفال در چنین محیط مردانه ای



دانشجو بودن یا کارمند دولت بودن، آزار دادند و در مواردی هم اقدام به قتل آنان نمودند. دشمنی با مظاهر شهری به این اقدامات خلاصه نشد. آنان در خیابان‌های پایتخت و شهرهای بزرگ افغانستان، در اماکن پرازدحام غیر نظامی حملات انتحاری انجام دادند و جان دهها هزار انسان بی‌گناه را گرفتند. هنوز هم صفوف جنگی طالبان از روستاهای افغانستان سربازگیری می‌نمایند و به مظاهر شهری حمله می‌نمایند.

نتیجه گیری

روستا نماد فقر، عقب‌ماندگی و عقده‌های تاریخی در افغانستان شمرده می‌شود. در حقیقت تقریباً تمام نیروهای افراطی افغانستان، از روستا برخاسته‌اند. زندگی روستایی همراه با ذهنیت قبیله‌ای، جنگ پنهانی را علیه شهر آغاز کرده است که در توجیهات ایدیولوژیک تجلی یافته است. مظاهر شهری همیشه برای روستائیان افغانستان، نمادهای ویرانگر سنت‌های بدوی بوده است. از این منظر در ضمیر ناخودآگاه روستایی افغانستان، نفرت از مظاهر شهری وجود داشته است. این نفرت به صورت ناخواسته با دفاع از دین علیه تمام مظاهر شهرنشینی، با گلوله پاسخ داده می‌شود.

ادامه مطلب در صفحه بعدی



در این مقاله سعی بر آن شده است که نخست جامعه شناسی شهر- روستا در افغانستان بررسی شود و سپس تبارشناسی جریان‌های سیاسی، عملکرد دولت‌های منبعث از این جریان‌های سیاسی و علت و انگیزه‌ی شورش‌گری و افراطی‌گری در افغانستان مورد بحث قرار گیرد.

و غنی در شهر و روستا به شدت افزایش یافته و افراطیت ستیزه‌جو از این ناحیه، سربازگیری می‌نماید. با شروع مقاومت مردم افغانستان بر ضد تجاوز شوروی سابق، برژنسکی از مهمترین نظریه پردازان سیاست خارجی امریکا، با سفر به پاکستان و



با توجه به مسایل فوق می‌توان گفت که تحولات گوناگون در افغانستان از امان‌الله خان تاکنون، از شکاف شهر- روستا تأثیر پذیرفته است. اولین برنامه‌ی توسعه که توسط امان‌الله خان شروع شد، با در نظر نگرفتن حساسیت‌های جامعه، با برنامه‌های سطحی به نوعی روستائیان آن‌زمان را تهییج کرد. شیرازه‌ی حکومت امانی توسط روستائیان فقیری از هم پاشید که مناسبات جدید را، ضد ارزش‌های خویش تعریف می‌کردند. دومین برنامه‌ی توسعه‌ی سیاسی که در دهه‌ی دموکراسی محمد ظاهر عملی شد، هرچند که از برنامه‌های معتدلی برخوردار بود؛ اما توانست که دیدگاه افراطی را تعدیل کند. در این زمان بود که نخستین جرقه‌های افراطیت مذهبی شکل گرفت که با تیزاب پاشی به دختران دانشگاه‌ها خبر از شکل‌گیری حرکت‌های افراطی می‌داد. اکثر تیزاب‌پاش‌ها، از دانشجویان فقیر روستایی بودند که وضعیت جدید را نمی‌توانستند تحمل کنند. دوره‌ی سوم توسعه که به توسعه‌ی زمان جمهوری مشهور است، برنامه‌های مدونی برای آموزش معتدل دینی را نتوانست سرلوحه‌ی آموزش عمومی قرار دهد. برنامه‌های توسعه‌ی حکومت کمونیستی با ماهیت ضد دینی خویش، راه را برای رشد افراطیت مذهبی بیشتر فراهم ساخت. طبق شواهد تاریخی، اکثر اعضای حزب دموکراتیک خلق را هم روستائیان تشکیل می‌دادند. بچه‌های فقیری که آرزوهایشان را در برنامه‌های انترناسیونالیستی کمونیستی جستجو می‌کردند. امروزه هم برنامه‌های توسعه‌ی دموکراسی افغانستان طرح مدونی برای مبارزه با این پدیده ندارند، طوریکه روز به روز، فربه شدن افراطیت ستیزه‌جو را شاهدیم. هرچند دولت جدید بر مبارزه بر فقر تأکید می‌کند؛ اما فاصله‌ی فقیر

دیدار از کمپ‌های مجاهدین، نظریه‌ی معروف خویش را ارایه داد. بر اساس نظریه‌ی او بنیادگرایی کمونیسم را تنها می‌توان با بنیادگرایی اسلامی متوقف ساخت. بنیادگرایی اسلامی در کمپ‌های مجاهدین، به خوبی پایگاه جامعه شناختی مجاهدین را نشان می‌داد. اکثر مجاهدین روستائیان فقیری بودند که با نیت مبارزه با کفر به کشورهای همسایه پناه برده بودند. با توجه به چنین نظریه‌ای بود که قدرت‌های بزرگ غربی، با حمایت پروژهی افراطی اجازه دادند که از سراسر جهان، گروه‌های جوانان عرب در جهاد افغانستان شرکت کنند. پس از خروج نیروهای شوروی این نیروها در سراسر جهان پراکنده شدند و قسمتی هم در افغانستان باقی ماندند و القاعده را پایه‌گذاری کردند. موقعیت ژئوپولیتیک افغانستان و عدم قدرت فائقه‌ای که بتواند بر سراسر افغانستان حکم براند، باعث شد که این جغرافیا به بهشت افراطیت ستیزه‌جو تبدیل شود، طوری‌که امروزه بیش از بیست گروه تروریستی در افغانستان مأوا گزیده‌اند. از سوی دیگر، قدرت‌های جهانی و منطق‌های از حضور گروه‌های افراطی برای تصفیه حساب‌های خویش بهره‌برده‌اند و حتی کشورهای منطقه‌ای از پتانسیل حضور گروه‌های تروریستی در جهت فشار بر دولت افغانستان استفاده کرده‌اند. طالبان و سایر گروه‌های تروریستی، پایگاه اجتماعی روستایی دارند. روستائیان فقیری که در بخاطر امرار معیشت در سپاهیان طالب می‌جنگند، کم نیستند.

منابع:

احمدرشید. (۱۳۸۷). طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ در نو در آسیای میانه، ترجمه: عبدالودود ظفری، کابل: انتشارات میوند.
آرزو، پرویز. (۱۳۹۲). خاطرات سیاسی جنرال عبدالقادر، هرات: انتشارات بنیاد خدماتی و فرهنگی هرات باستان.
بریگو، آندره و الیویه روا. (۱۳۶۶). جنگ افغانستان، دخالت شوروی و نهضت مقاومت، ترجمه: ابوالحسن سرومقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
بها، ثریا. (۱۳۹۲). رها در باد، کابل: انتشارات امیری، چاپ سوم.
شفایی، امان‌الله. (۱۳۹۳). جریان شناسی تاریخ افغانستان معاصر، کابل: انتشارات امیری.
صیقل، امین و دیگران. (۱۳۹۴). افغانستان معاصر: تاریخ مبارزات و بقای یک ملت، ترجمه: نعیم مجددی، کابل: انتشارات سعید.
عبدالوکیل. (۱۳۹۵). از پادشاهی مطلقه الی سقوط جمهوری دموکراتیک افغانستان، بی‌جا: انتشارات کاروان.
فرهنگ، محمد صدیق. (۱۳۹۰). افغانستان در پنج قرن اخیر، کابل: انتشارات سعید، چاپ دوم.
گریگوریان، وارتان. (۱۳۸۸). ظهور افغانستان نوین، ترجمه: علی عالمی کرمانی، تهران: انتشارات عرفان، چاپ دوم.
مژده، وحید. (۱۳۸۲). افغانستان و پنج سال سلطه‌ی طالبان، تهران: نشر نی.
مشعوف، میرمحمد یعقوب. (۱۳۹۷). جریان دموکراتیک نوین: شعله‌ی جاوید (-۱۳۴۴-۱۳۹۶)، کابل: انتشارات سعید.
مهودی، جعفر. (۱۳۹۳). جامعه شناسی سیاسی طالبان، کابل: انتشارات سعید.
های من، آنتونی. (۱۳۷۷). افغانستان در زیر سلطه‌ی شوروی، ترجمه: اسدالله طاهری، تهران: انتشارات شبانویز، چاپ چهارم.
یوانز، مارتین. ال. (۱۳۹۶). افغانستان: مردم و سیاست، ترجمه: سیما مولایی، تهران: انتشارات ققنوس
پرنتی، کریستین. بازنگری تجربه‌ی کمونیستی در افغانستان، ترجمه: منوچهر مرزبانیان.
https://ir.mondediplo.com/article/۱۸۶۵.html
www.dailyafghanistan.com//:opinion_detail.php?post_id=۱۳۱۰۲۱

گفت و شنود باسوسن بهبودزاده اولین شاروال زن در هرات



سوسن بهبودزاده زنی که از حدود یکونیم سال بدینسو به عنوان اولین شاروال زن در هرات فعالیت خود را آغاز کرده است و این پیش قدم شدن برایش با فراز و فرودهای نیز همراه بوده. ماهنامه تخصص گفت و شنودی با اولین شاروال زن هرات ترتیب داده است. این مصاحبه را در متن زیر خواننده باشید.

تخصص: سوسن بهبودزاده که است؟

سوسن بهبودزاده هجتم متولد سال ۱۳۵۳ خورشیدی در هرات، دوره ابتدایی، متوسطه و لیسه را در کابل به اتمام رساندم و در سال ۱۳۸۶ از رشته ادبیات انگلیسی فارغالتحصیل شدم. نظر به علاقه مندی که به سیاست داشتم از رشته حقوق و علوم سیاسی نیز لیسانس گرفتم و از یک سال بدینسو به عنوان شاروال ولسوالی فعالیت می کنم.

تخصص: وضعیت زنان کشور را در حال حاضر چگونه بررسی می کنید؟

در افغانستان دموکراسی فقط تمثیل می شود. دموکراسی واقعی وجود ندارد. زنان جایگاه تصمیم گیری ندارند و در هر سمتی که تا به حال کار کردند، نقش سمبولیک داشتند. حمایت انجمن هم از آنان وجود ندارد و استقلال فکری نیز ندارند.

تخصص: بر اساس تجربه شما دوران طالبان برای زنان چگونه گذشت؟

دوره طالبان اگرچه برای زنان یک عقب گرد بود. اما یک تعداد از زنان حق رفتن به مکتب رفتن را داشتند، اما با شرایط سخت. محرومیت زنان را نمی توانیم فقط به دوران طالبان خلاصه کنیم. همین حالا در بعضی از مناطق دور دست افغانستان زنان وضعیت بدتر از دوران طالبان دارند. البته دوران طالبان برای زنانی که قصد بی نمودن پله های ترقی را داشتند منفر بود. من در دوران طالبان یک صنف انگلیسی برای دختران ده تا دوازده سال تدریس می کردم و در کنار آن صنف آموزشی آشپزی و خیاطی نیز برای شان دایر می کردم تا بتوانند استقلالیت داشته باشند. خیلی کم در زمان طالبان بیرون می شدم و اگر زمانی هم بیرون می شدم مجبور بودم که چادری بپوشم.

تخصص: آیا تجربه مهاجرت را داشتید؟

بعد از سال ۱۳۷۰ خورشیدی تهدیداتی از طرف ملیشه های آن وقت وجود داشت. چون جوانان را به زور

انجیل که به مراسم معرفی من آمده بودند و حالا که از شروع فعالیت من یک سال و چهار ماه می گذرد، مردم بیشتر از من راضی هستند و برخوردهای شان نیز با من خوب است و روزانه بیش از ۲۰۰ مراجعه کننده برای مطرح کردن مشکلات شان به اداره شاورالی انجیل مراجعه می کنند.

تخصص: چند فیصد از مراجعه کننده گان اداره شما را زنان تشکیل می دهد؟

در شورای های محل ولسوالی انجیل سه زن عضو هستند، اما تا به حال، زنان نتوانستند که برای مطرح کردن مشکلات شهری به شاورالی مراجعه کنند، اما سعی دارم در هر شورای محل این ولسوالی یک وکیل محل زن داشته باشم.

تخصص: از علاقه های تان به ادبیات و شعر برای ما بیشتر بگویید

مادرم به شعر علاقه مند و من هم از آن زمان به شعر علاقه مند شدم. و یک کتاب شعر هم به نام نماز عشق از من چاپ شده است. زمانی که وارد اجتماع شدم به سیاست نیز علاقه مند شدم و همین باعث شد که در رشته حقوق و علوم سیاسی نیز مدرک لیسانس بگیرم و هر دوی آن ها را با موازنه برابر پیش ببرم. ۱۱۵ قطعه شعر از خودم دارم.

تخصص: به کدام نویسنده علاقه دارید؟

بیشتر کتاب های ویکتور هوگو، نلسون ماندلا و گاندی را مطالعه می کردم و کارهای شان را تعقیب می کردم. و از نویسندگانی داخلی هم داستان های اکرم عثمان را می خواندم و علاقه مند هستم.

تخصص: به مذاکرات صلح خوشبین هستید؟

در کل پروسه مذاکرات صلح پرسش برانگیز است. سه الی چهار زن که عوض هیأت مذاکره کننده صلح دولت افغانستان، هستند نمی توانند که از تمام زنان افغانستان نمایندگی کنند.

تخصص: اگر حرفی باقی مانده که من نپرسیده باشم می توانید با مخاطبان تخصص در میان بگذارید

پیام من برای زنان این است که باید مقتدرانه تر قدم بردارند. جنگ جنسیتی را کنار گذاشته و ظرفیت های خود را به عنوان یک زن خلاق بروز دهند و همدیگر را حمایت کنند.

به عکسری سوق می دانند. و درگیری بین مجاهدین و دولت همان وقت مردم را دچار مشکل ساختند. اکثراً سربازان به شهادت می رسیدند و به این دلیل مادرم تصمیم گرفت که باید برای مدتی به ایران زندگی کنیم بعد از طریق دعوت نامه به کشور دیگری برویم اما به دلیل علاقه والدین من به افغانستان نتوانستیم به ایران دوام بیاوریم، بنابراین ما دوباره به کشور باز گشتیم.

تخصص: در مورد فعالیت فعلی تان به عنوان شاورال انجیل صحبت کنید

من بعد از ۱۸ سال دوره های کاری مختلف در نهادهای مختلف به عنوان شاروال انجیل شروع به فعالیت کردم. همواری و ناهمواری های زیادی در زندگی دیدم. و البته شروع فعالیت من به عنوان شاروال انجیل آنقدر سخت نبود چون دوره های کاری من در مؤسسات مختلف نوع ارتباط برقرار کردن درست را با مردم مختلف به من آموخته بود. مدت فعالیت من به عنوان شاروال انجیل، این را به اجتماع ثابت ساخت که زنان توانایی انجام هر کاری که به نفع اجتماع و مردم باشد را دارند.

تخصص: از نظر خودتان مهم ترین عملکرد که شما در شاورالی انجام دادید چه است؟

حکومتداری باز، شفافیت در پروسه های حساب دهنی و انگیزه دادن برای مردم برای حساب گیری از شاورالی انجیل، تنظم و نام گزرها و شورای های گزرها، از عمده ترین



فعالیت های من به عنوان شاروال انجیل بوده است.

تخصص: برخورد مردم ولسوالی انجیل با شما به عنوان اولین شاروال زن چگونه بوده است؟

قبل از اینکه من به عنوان شاروال در این ولسوالی شروع به فعالیت کنم، دیدگاه های منفی وجود داشته و می گفتند که پذیرش یک زن به عنوان شهردار برای مردم سخت است. به ویژه برای مردان. اما از روز اول کاری من ۲۵۰ تن از مردم



آگاهان در هرات:

صلح در افغانستان نیازمند عدالت است

کتابخانه فرهنگی خورشیدی

است و شکافهای موجود در افغانستان این جنگ را شدت بخشیده است.

وی می‌گوید: "افغانستان هیچ‌گاه عامل جنگ در منطقه نبوده، اما مردم ما همیشه هیزم این جنگ‌ها بوده است.

این آگاه سیاسی افزود، این وظیفه دانش‌آموخته‌گان و افراد آگاه جامعه است که برای ترویج صلح اجتماعی در جامعه بکوشند.

با این حال، محمد نبیل فقیریار، رئیس نهاد دانش‌آموختگان افغان می‌گوید: "برای اینکه بتوانیم جنگ در افغانستان را خاتمه دهیم باید

نسل جوان را به مطالعه تشویق کنیم و زمانیکه جوانان و افراد جامعه مشغول تحصیل باشند، وقتی برای جنگ و بوجود آوردن فضای خشونت آمیز نخواهند داشت.

وی همچنان افزود، یکی از دلایل دوام جنگ در افغانستان می‌تواند تجارت اسلحه نیز باشد.

این در حالیست که بیش از دو ماه از مذاکرات صلح افغانستان می‌گذرد، اما هنوز هم حملات خشونت‌بار در بعضی از مناطق کشور شدت یافته است.



افغان‌ها هیچ‌گهی خواستار دوام جنگ در کشور نیستند و نبودند. برای ختم این جنگ در کشور باید به توسعه مناطق روستائین توجه شود و آگاهی مردم کشور در رابطه به موضوعات مختلف بلند برده شود.

وی همچنان بیان کرد: مردم افغانستان برای ایجاد صلح اجتماعی همدیگر پذیر باشند تا صلح سیاسی در کشور بوجود آید.

در همین حال، داوود عرفان استاد دانشگاه نیز به این باور است جنگ افغانستان جنگ اقتصادی

شماری از آگاهان در هرات به این باوراند که دوام جنگ در کشور خواست افغان‌ها نیست و عمده‌ترین دلیل دوام این جنگ نا برابری و عدم توسعه‌ای اقتصادی در افغانستان است.

شماری از دانش‌آموخته‌گان هرات (سه‌شنبه، ۹ جدی) گردهم آمدند تا نظرات‌شان را پیرامون دوام جنگ در کشور مطرح کنند.

محمد رفیق شهیر؛ رئیس شورای متخصصان هرات که در این جمع حضور داشت بیان کرد،



معلمان هرات:

"ما از دولت خیرات نه؛

افزایش معاش می خواهیم"



علی احمد فرهنگ، یکی از معلمان ولایت هرات بیان می کند که تجمع امروزی ما برای طرح افزایش معاشات معلمان، برحق است و باید پارلمان کشور به این طرح در بودجه مالی ۱۴۰۰ توجه کند. وی گفت: معاش معلمان را در مقابل معاش دیگر کارمندان دولتی عادلانه نیست. ساغر کاکر، یکی دیگر از معلمان در هرات است و به گفته خودش معاش معلمی پایین ترین معاشی است که به یک کارمند دولت تعلق می گیرد. به گفته ی کاکر، معاش حتی مخارج یک نفر را کفایت نمی کند. با این وجود محمد رفیق شهپر رییس شورای متخصصان هرات با حمایت از این طرح گفت: "تمام بی عدالتی های موجود در جامعه برخاسته از فساد موجود در کشور است و دلیل کم بودن معاش معلمان نیز همین فساد است. رییس شورای متخصصان هرات تأکید کرد که مردم جامعه و دولتمردان کشور باید علیه فساد اداری در کشور بسیج شوند. گفتنی است مجلس نماینده گان کشور تا به حال دوبار طرح سنند بودجه سال مالی ۱۴۰۰ را با ارایه دلایل چون نامتوازن و نا عادلانه رد کرده و از حکومت خواستار اصلاحات جدید در این بودجه شده است.

وی بیان می کند عدالت اجتماعی یکی از مؤلفه های دولت های دموکرات است که متأسفانه در افغانستان موجود نیست.

شماری از معلمان و نماینده گان مکاتب ولایت هرات (سه شنبه، ۱۶ جدی) در یک همایشی خواهان افزایش معاش معلمان در کشور شدند.



وی ابراز می دارد: "هفت یا هشت هزار افغانی که دولت آن را به معلمان می پردازد، معاش نیست و این مقدار مخارج یک شخص را نمی تواند برآورده کند چه رسد به یک خانواده که در آن هشت تا ده نفر زندگی می کنند." وی می گوید: "اگر به خواسته برحق معلمان رسیدگی نشود، در تمامی ولایات کشور راهپیمایی مدنی برگزار می کنند."

این معلمان طی قطنامه های گفتند که آنان از دولت کمک مالی نه، بلکه افزایش معاش می خواهند و در صورتیکه به خواستشان رسیدگی صورت نگیرد دست به اعتراض و حتی اعتصاب می زنند. محمد صابر مشعل، هماهنگ کننده مجمع دادخواهان معلمان افغانستان هدف از برگزاری این همایش را یکسان سازی معاش های معلمان و کارمندان دیگر ارگان های دولتی عنوان کرد.



مسابقات جام حمایت شورای متخصصان از بسکتبال با قهرمانی تیم آریا پایان یافت



این

طلبی در عرصه ورزش را بلند ببرد و از سوی ورزش آرامش می‌آفریند و ما امروز سخت نیازمند آرامش هستیم.

احمد جاوید رسولی؛ سرپرست تربیت بدنی هرات نیز از شورای متخصصان هرات برای برگزاری این دور مسابقات ابراز قدردانی کرد و گفت: ریاست تربیت بدنی ولایت هرات آماده هر نوع همکاری با ورزشکاران است.

وی گفت: ما در تلاش این هستیم تا برای تیم‌های این رشته ورزشی حمایت‌کننده‌های مالی بیشتری پیدا کنیم، چون با حمایت از این رشته ورزشی دستاوردهای ملی زیادی نصیب کشور می‌شود.

در پایان این دور مسابقات به پاس حمایت شورای متخصصان از ورزش بسکتبال، لوح تقدیری از سوی فدراسیون ملی بسکتبال به محمد رفیق شهیر رییس این شورا اهدا گردید. این دور مسابقات روز دوشنبه، ۲۹ جدی از سوی شورای متخصصان هرات در جمنایوم میرویس صادق آغاز و عصر روز شنبه، ۴ دلو پایان یافت.

مسابقات بتواند انگیزه جوانان بسکتبالیست ما را برای اشتراک در مسابقات ملی و بین‌المللی بلند ببرد.

با این حال شماری از بازی‌کنان، از برگزاری این دور مسابقات استقبال کرده و خواهان تداوم حمایت شورای متخصصان و نهادهای دیگر از ورزش شدند.

سید امیری عضو تیم ملی بسکتبال افغانستان نیز از برگزاری این مسابقات ابراز خرسندی کرد. وی گفت: این دور مسابقات بین چهار تیم قوی بسکتبال ولایت هرات برگزاری می‌شود و طبیعی است که سطح آن بالا است.

امیری افزود، متأسفانه در این اواخر هیچ نهادی از دوره‌های مسابقات ورزشی حمایت نکرده است و ما امیدواریم که این اقدام شورای متخصصان باعث حمایت دیگر نهادهای خصوصی و دولتی از ورزشکاران شود.

محمد نوروزی عضو تیم بسکتبال سرخ پوشان ولایت هرات می‌گوید: "برگزاری این مسابقات می‌تواند روحیه رقابت و مبارزه

مسابقاتی که تحت نام جام حمایت شورای متخصصان از بسکتبال ولایت هرات برگزار شده بود، با قهرمانی تیم آریا پایان یافت.

این دور مسابقات با اشتراک چهار تیم بسکتبال ولایت هرات برگزار شد و در آخرین روز، سرخ‌پوشان و آریا به دیدار هم رفتند و تیم آریا ۶۴ بر ۶۳ توانست عنوان قهرمانی این دور مسابقات را بدست آورد.

حمایت‌کننده‌گان هدف از راه اندازی این دور مسابقات را تشویق جوانان به ورزش بسکتبال و ایجاد روحیه مثبت در بین مردم می‌دانند.

محمد رفیق شهیر؛ رییس شورای متخصصان هرات می‌گوید: "در شرایطی که دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی مردم و جوانان ما را محاصره کرده است، برگزاری این مسابقات می‌تواند آنان را حتی برای مدت کوتاهی از نگرانی دور سازد.

رییس شورای متخصصان ابراز امیدواری کرد که



آزادگیان در افغانستان و چالش‌های آن

✪ نویسنده: کان
✪ سائو: حسینی
✪ سحر: فضلی
✪ فریبا: میرزایی

دانشجویان دانشکده هرات دانشکده حقوق و علوم سیاسی سال دوم

بخش دوم
و پایان

چالش‌های آزادی بیان: حفظ امنیت:

بدون شک در عرصه تأمین امنیت همچنین دفاع از آزادی بیان در رسانه‌های جمعی، تلاش چند جانبه نیاز است از یک سو حکومت مسؤل درجه اول تأمین امنیت تمام شهروندان افغانستان به شمول خبرنگاران است، از سوی دیگر رفتارهای دولت هم به گونه‌ای باید تنظیم گردد که به آزادی بیان نیز صدمه وارد نشود. هر دو مسوولیت سنگینی است که به عهده دولت گذاشته شده است.

واقعیت این است که بسیاری از قضایا از کنترل دولت خارج می‌باشد، تا هنوز حکومت نتوانسته است جلو بسیاری از حوادث را بگیرد؛ زیرا توانایی و ظرفیتی که در دولت وجود دارد ناچیز است و حتی در مواردی توانمندی اجرای عدالت و پیگیری قضایای خشونت علیه خبرنگاران را در اختیار ندارد. همین که در کشوری مثل افغانستان که همواره در حالت جنگ قرار دارد، تنها در قضیه قتل یک خبرنگار، پولیس مسؤل شناخته شده است، نشان دهنده این است که دولت افغانستان در مساله خشونت علیه خبرنگاران مسولانه عمل کرده است؛ ولی این مسئله هرگز سبب نمی‌شود که حکومت در مورد رسیدگی به جرایم جنایی علیه خبرنگاران احساس معافیت کند. حکومت همان گونه که مسوولیت تأمین امنیت خبرنگاران را به عهده دارد، هم چنین مکلف است که به قضایای خشونت علیه خبرنگاران به طور عادلانه و بی‌طرفانه رسیدگی کند. در ابتدای تشکیل حکومت وحدت ملی بیش از هزار قضیه خشونت علیه خبرنگاران در نهادهای عدلی و قضایی افغانستان ثبت بود که به هیچ یک رسیدگی صورت نگرفته

بود. پس از تشکیل حکومت وحدت ملی حکومت توانست با اقدامات مهم و مسولانه خود حداقل تکلیف دوسیه‌های مربوط به خشونت علیه خبرنگاران را معلوم کند. تأسیس کمیته مشترک رسانه‌ها و حکومت به منظور کاهش خشونت‌ها علیه خبرنگاران و رسیدگی به قضایای مربوط به آن‌ها، گام مهم و ارزنده‌ای بود که حداقل توانست در مدت کم سرنوشت دوسیه‌های مهم را مشخص کند. پس از آن تأسیس کمیسیون مستقل دسترسی به اطلاعات و هم چنین فرامین رییس جمهور مبنی بر دسترسی آسان همه شهروندان به خصوص رسانه‌ها به اطلاعات مراجع دولتی بخشی از اقدامات مهم دولت در این راستا بوده است.

نظم عمومی:

آزادی اجتماعات برای نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شد. هرچند در سطح قوانین ملی بعضی کشورها این حق پیش از آن مورد حمایت قرار گرفته بود، اما اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده بیستم ضمن ابراز این که هر کسی حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز را تشکیل دهد و هیچ شخصی را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد، این حق را جهانی ساخت. پس از اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از مهم‌ترین سندهای بین‌المللی در حمایت از حق شهروندان برای گرد هم آیی‌ها است که آزادی اجتماعات مسالمت‌آمیز برای شهروندان را در ماده بیست‌ویکم به گونه‌ی مستقل و جدا از آزادی‌های هم‌چون آزادی تشکیلات و آزادی بیان مورد شناسایی و حمایت قرار داده است. البته آزادی اجتماعات هم‌مانند آزادی تشکیلات و آزادی بیان مبنای بهره‌مندی بسیاری از آزادی‌های سیاسی دانسته می‌شود. با این وجود، تجمع هر زمانی که در عرصه عمومی انجام شود، به شکل تظاهرات و راهپیمایی درمی‌آید که مهم‌ترین

مشخصه آن مسالمت‌آمیز بودن آن است. در اسناد حقوق بشری، هدف اصلی از تذکر مسالمت‌آمیز بودن در کنار فعالیت‌ها و آزادی‌های فردی، در واقع رعایت تسامح، تساهل و بردباری در چگونه‌گی استفاده از حقوق و آزادی‌های مندرج معاهدات بین‌المللی است. از همین رو، خشونت‌پرهیزی از مهم‌ترین مسایل در استفاده از حق آزادی تجمعات است. با توجه به این که خشونت گاه به شکلی از رفتارهای عملی و گاهی به گونه ترویج تنفر و خشونت کلامی تبارز می‌کند، مسالمت‌آمیز بودن تجمعات و راه‌پیمایی‌ها نه تنها به معنای عدم حمل سلاح است، بل که به‌کارگیری بیان تنفرآمیز و حتا تحریک به خشونت نیز می‌تواند از مصادیق خشونت به شمار رود. میثاق حقوق مدنی و سیاسی بر مبنای ماده بیست‌ویکم، در کنار به رسمیت شناختن اصل حق آزادی، تجمع‌ها را مقید به محدودیت‌های هم‌چون قانونی بودن و در صورت نیاز، مقید به وضع محدودیت برای جامعه‌ی دموکراتیک در موارد نظم عمومی، امنیت عمومی، امنیت ملی، اخلاق و سلامت عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران، می‌داند. از این میان، نظم عمومی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحدید حق آزادی تجمع‌ها پنداشته می‌شود که گاهی به عنوان چتر کلان همه محدودیت‌ها نیز شناخته می‌شود. نظم عمومی یکی از مفاهیم مهم و بنیادی در هر نظام حقوقی است که هرازگاهی دست‌آویزی برای تضییق و تحدید آزادی‌های حقوق بشری شهروندان قرار می‌گیرد. حتا در جوامع لیبرال برداشت غالب این است که آزادی بدون نظم به هرج و مرج منجر می‌شود و نظم عمومی را مترادف صلح اجتماعی، رضایت عمومی و آسایش عمومی می‌دانند. نظم عمومی از واژه فرانسوی *ordre public* استنتاج شده است که بار معنایی فراتر از *law and order* را در خود حمل می‌کند.

انگه مطلب در صفحه بیست و یک



نظم عمومی بیش از این که به ذات و کیفیت یک عمل پیوند داشته باشد، به درجه و وسعت رسیدن آن به یک جامعه بستگی دارد؛ بدین معنا که هر نوع نقض قوانین روی نظم تأثیر می‌گذارد، اما هر نوع عملی که روی قانون و نظم تأثیر می‌گذارد، لزوماً روی نظم عمومی اثر نخواهد گذاشت. از این رو، نظم عمومی بیش‌تر به جامعه پیوند دارد تا به افراد و در صورتی که نظم عمومی مختل شود، به بی‌نظمی عمومی می‌انجامد.



قانون اساسی افغانستان در ماده سی‌وششم حق آزادی تجمع و راهپیمایی را برای مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح و بر اساس قانون به رسمیت شناخته است که اکثر شرایط تذکر یافته معاهدات بین‌المللی در آن به وضوح دیده می‌شود. قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات نیز حق آزادی اجتماع و تظاهرات را در ماده چهارم با اضافه این که تظاهرات نباید منافی منافع ملی و مغایر احکام قانون اساسی باشد، مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. این قانون با رعایت گرفتن بعضی شرایط میثاق‌های بین‌المللی و تعریف گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، در ماده ششم، اشتراک در اجتماع و مظاهره را ارادی و داوطلبانه می‌داند و تصریح می‌کند که هیچ شخص نمی‌تواند به مقصد تأمین منافع شخصی یا گروهی، اشخاص را مجبور به اشتراک در اجتماع و مظاهره نماید. در ضمن، مشخصه اصلی تظاهرات را داشتن هدف اصلاحی به منظور بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی در کشور می‌داند. همین گونه در ماده نهم تصریح شده است که سازمان‌دهندگان تظاهرات مکلفاند تا از تهدیت، افترا، دشنام، تهدید، تحویف و توهین اشخاص و ارتکاب هر نوع حرکت مغایر آداب و نظم و امن عامه اجتناب ورزند. همچنین، بر مبنای ماده دهم، هیچ شخصی حق ندارد تا با استفاده از حق اجتماع و مظاهره راهها و سرک‌های عامه را به گونه‌ای مسدود کند که مانع تردد وسایط نقلیه و فعالیت ادارات دولتی و غیردولتی گردد. در نهایت، ماده بیست‌ویکم این قانون، اجتماع و مظاهره بر مبنای نفرت‌پراکنی‌های قومی، مذهبی، سمتی و تبلیغ جنگ، خشونت و اعمالی که منجر به تضعیف اقتصاد ملی یا از بین رفتن دارایی‌های عامه گردد یا نظم عمومی به صورت کل مختل شود را مجاز نمی‌داند.

افزون بر آن چه گفته شد، در خصوص تحدید حق تجمع باید باب احتیاط رعایت شود و نباید صدور مجوز برای برپایی تجمع و تظاهرات سبب محدود شدن اعمال آزادانه تظاهرات شود و هر نوع ممنوعیت در چارچوب قوانین و تعهدات بین‌المللی اعمال گردد. از سویی هم، حق آزادی تظاهرات از جانب برگزارکننده‌گان و اشتراک‌کننده‌گان باید به گونه‌ای استفاده شود که از یک طرف در چارچوب قانون باشد و از جانی هم به نظم عمومی صدمه نرسد. آن گونه که جوامع مدرن و دموکراتیک همواره در پی ایجاد توازن میان مکانیزم‌های کنترل اجتماعی برای نظم عمومی و حقوق دموکراتیک اعضای یک جامعه آزاد می‌باشند، افغانستان نیز به عنوان یک جمهوری نوپا با این چالش

روپهرو است؛ هر چند میزان این چالش‌ها بنا بر فقر اقتصادی، منفعل بودن جامعه و سطح بالای تنازع در جامعه افغان‌ها خیلی جدی‌تر است.

سلامت یا اخلاق عمومی:

آزادی بیان ابزاری برای رساندن اندیشه و عقیده به دیگران محسوب می‌شود و پذیرش مفهوم آن در جوامع مختلف، متفاوت و به عنوان نمونه‌های بارز از رعایت حقوق بشر از جایگاه ویژه اخلاقی و سیاسی برخوردار است. در بیشتر موارد آزادی بیان به نبود قانونی حکومتی که محدودیت بیانی وضع کند، اشاره دارد. در اینجا «بیان» در مفهوم عام آن به شمار می‌رود و شامل بیان‌های زبانی و غیر زبانی و نوشتاری و غیر نوشتاری می‌شود.

در کنار پذیرش عمومی مفهوم آزادی بیان، توافق عمومی نیز وجود دارد که باید برای آزادی بیان حد و مرز مشخص کرد زیرا نبود مرزی مشخص به انجام عملی منجر می‌شود که زبان‌آور است.

آزادی بیان در رسانه‌ها همانند یک ضمانت نامه از طرف دولت‌ها به آنها برای ابراز نظر اعطا می‌شود که حقوق قانونی رسانه‌ها به شمار می‌رود. این حقوق در بسیاری از کشورها از جمله ایران به صورت قانون در آمده است تا از آزادی مطبوعات حمایت شود اما اکنون برخی رسانه‌ها از این آزادی به صورت دیگری استفاده می‌کنند. آنها با توسل به جنگ روانی، تخریب دولت را در پیش گرفته‌اند که می‌تواند تأثیرهای منفی را برای جامعه به دنبال داشته باشد. هیچ فردی نباید به بهانه آزادی، اخلاق، معنویت و کرامت انسانی دیگران را مورد تهاجم قرار دهد.

نتیجه گیری:

آزادی بیان به شمول حق دریافت و بخش اطلاعات، حق انکارناپذیر مردم افغانستان است که توسط قانون اساسی و قوانین بین‌المللی تضمین شده است. این حق باید در همه قوانین و اجراء از سوی حکومت و دیگران مورد احترام و حمایت قرار گیرد همه طرف‌ها، به شمول دولت، نیروهای نظامی بین‌المللی، شورشیان، و سایر گروه‌های مسلح مسؤولیت دارند تا این حق را مورد احترام و حمایت قرار دهند و از تهدید، حمله، اختطاف، قتل و زندانی کردن ژورنالستان و کسانی که در پی

کسب و بخش اطلاعات و یا هم بیان عقایدشان هستند، خودداری نمایند آزادی بیان و اطلاعات پیش زمینه و جزو جداناپذیر برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی، تأسیس نهادهای حسابه و دیموکراتیک و ایجاد یک جامعه باز و مبتنی بر حاکمیت قانون، شناخته می‌شود.

بدون شک، آزادی از بزرگترین نعمتهای زندگی و از گران‌بهارترین سرمایه‌های سعادت مادی و معنوی انسان است. میل به آزادی و حریت با سرشت بشر آمیخته شده و از مطبوع‌ترین و گوارترین تمایلات طبیعی آدمی است. در اندیشه اسلامی، تکریم انسان که آیات متعدد قرآن و روایات مأثوره، بیانگر آن است، مفهوم بسیار لطیف و در عین حال وسیع و گسترده‌ای دارد که همه ارزش‌ها و خوبی‌ها و کمالات انسانی، از جمله آزادی را در خود جای داده و اصلی است.

آزادی بیان از تعرض مصون است. هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله ی گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارایه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد. احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

آزادی بیان ابزاری برای رساندن اندیشه و عقیده به دیگران محسوب می‌شود و پذیرش مفهوم آن در جوامع مختلف، متفاوت و به عنوان نمونه‌های بارز از رعایت حقوق بشر از جایگاه ویژه اخلاقی و سیاسی برخوردار است. در بیشتر موارد آزادی بیان به نبود قانونی حکومتی که محدودیت بیانی وضع کند، اشاره دارد. در اینجا «بیان» در مفهوم عام آن به شمار می‌رود و شامل بیان‌های زبانی و غیر زبانی و نوشتاری و غیر نوشتاری می‌شود.

منابع:

۱. ارسالان، سلمان، ۱۳۷۵. <https://www.avapress.com>
۲. اسحاقی، سید حسین، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۲۴، <https://hawzah.net>
۳. احمد، رضا، ۱۳۹۲ مقاله سیاسی آزادی فردی و امنیت).
۴. تبریزی، سبحانی، جعفر، ۱۳۸۶ (ص ۴۷ آزادی در بیان گسترش).
۵. عارفی، عبدالحمید، (۱۳۹۶). آزادی بیان و محدودیت‌های آن در افغانستان. جلد اول. کابل. انتشارات سعید.
۶. قانون اساسی افغانستان ماده سی و چهارم.
۷. کمال اطهری، قدرت دولت و آزادی. مجله اطلاعات سیاسی. ص ۷۶ سال (۱۳۷۱).
۸. مجله آفتاب شماره (۲۵) تحت نام آزادی بیان حق اظهار نظر و ابراز عقیده اردیبهشت (۱۳۸۲).
۹. (مصاحبه با ماستر عبدالرحمن کریمی رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی کهکشان شرق).
۱۰. <https://www.irna.ir>



کارگاه آموزشی

نظام‌های انتخاباتی



کارگاهی تحت نام "نظام‌های انتخاباتی" با توزیع تصدیق‌نامه برای بیش از ۷۰ نفر از علاقه‌مندان این موضوع در شورای متخصصان هرات پایان یافت.

این کارگاه روز چهارشنبه، ۵ قوس و پنجشنبه، ۶ قوس در این شورای برگزار گردید.

اشتراک‌کنندگان از برگزاری این کارگاه استقبال کرده و خواهان دوام اینگونه فعالیت‌های آگاهی‌دهی و تخصصی هستند.

عتیق‌الله کریمی، از اشتراک‌کنندگان این کارگاه بیان می‌دارد، شناخت‌های نظام‌های انتخاباتی از مباحث مهمی است که باید پیرامون آن برنامه‌های آموزشی برگزار شود. من به عنوان یک شهروند تحصیل کرده از برگزاری این چنین فعالیت‌ها استقبال و خواهان دوام آن در جامعه هستم.

منیره غلامی، یکی دیگر از اشتراک‌کنندگان می‌گوید: "از مهم‌ترین موضوعاتی که من در این کارگاه فرا گرفتم بحث سری بودن و آزاد بودن در انتخابات است."

او پیشنهاد می‌دهد، روی این موضوع باید پژوهش‌های بیشتری صورت بگیرد و نسل جوان را در این پژوهش‌ها سهم بدهند.

از سوی هم، میرویس فضلی استاد دانشگاه و مدرس این کارگاه آموزشی گفت: انتخابات یکی از مباحث عمده است و در این کارگاه اصول و ویژه‌گی انتخاباتی که بتواند مشروعیت را برای نظام بوجود آورد بحث شد.

آقای فضلی افزود، در شرایط کنونی ما سیستم انتخاباتی تلفیقی نیاز داریم، و این سیستم نیازمند آگاهی‌دهی است.

در این کارگاه روی این موضوعات بحث شد: نظام‌های انتخاباتی، معنای لغوی و اصطلاحی انتخابات، اصول حاکم برگزینش نظام انتخاباتی، اصل شفافیت، اصل نمایندگی، اصل فراگیری و ماهیت، انواع نظام‌های انتخاباتی، نظام انتخاباتی اکثریتی، اکثریت نسبی، اکثریت مطلق، نظام رأی بدیل و نظام تناسبی.

شورای متخصصان نهادی است از چندین سال بدین سو در مورد موضوعات مختلف کارگاه‌ها تخصصی و آموزشی را برگزار می‌کند.

تجلیل از پانصد و هشتادمین سالروز تولد امیر علی شیر نوایی از سوی دفتر تیکا

گزارشگر: فریا اکبری

امیر علی شیر نوایی به عنوان شخصیتی تاثیر گذار فرهنگی یاد کرده و می گوید: "باید مرکز مطالعاتی را در حوزه رفتار، اخلاق، آثار و اندیشه های امیر علی شیر نوایی داشته باشیم تا توانسته باشیم اندیشه های شخصیت تأثیرگذار او را ماندگار نگهداریم."

در این حال، احمد جاوید ضرغام بیان می دارد، مقبره امیر علی شیر نوایی در همین اواخر بازسازی شده است و قرار است تعدادی از جاده های شهر هرات را به نام شخصیت های فرهنگی از جمله امیر علی شیر نوایی نام گذاری کنیم.

امیر علی شیر نوایی از شاعران و سیاستمداران نامدار در زمان سلطان حسین بایقرا بوده و فعالیت های که وی در عرصه فرهنگ انجام داده، فرهنگ شناسان آن را بی بدیل توصیف می کنند.

ترکیه، افغانستان و ازبکستان بوده است و این شخصیت های فرهنگی اند که می توانند باعث دوام روابط کشورها در سطح جهان شوند. وی افزود، امیدواریم همایش امروز باعث دست یافتن به سطح بلند علمی در هرات شود و مردم افغانستان بتوانند میراث گذشته خود را محافظت کنند.

با این حال شماری از استادان دانشگاه هرات با آنکه خدمات امیر علی شیر نوایی را در

از پانصد و هشتادمین سالروز تولد امیر علی شیر نوایی روز (سه شنبه، ۲۱ دلو) از سوی دفتر تیکا تجلیل شد.



در این مراسم، کتاب های که در مورد این شخصیت نوشته شده بود نیز در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت. مسوولان برگزار کننده هدف از برگزاری این برنامه را دوام و پایداری روابط فرهنگی میان افغانستان و ترکیه می دانند.



علی ارغون چنار، رییس دفتر تیکا (آژانس همکاری های کشور ترکیه) در هرات می گوید: "افغانستان نیز باید برای ماندگاری اندیشه های امیر علی شیر نوایی از گذشته تا به حال، از ارزش ویژه در ترکیه برخوردار است و گفته می توانیم که این شخصیت علمی فرهنگی پل ارتباطی بین کشور بی بدیل دانسته و می گویند که دولت افغانستان نیز باید برای ماندگاری اندیشه های شخصیت ها مثل نوایی برنامه های بیشتری راه اندازی کند. عبدالناصر صوابی، استاد دانشگاه از



مشارکت سیاسی زنان

نویسنده: مهتاب محمدی

است. همانا بسته شدن دروازه های مکاتب میباشند. حتی در دوران حکومت سه ساله ی مجاهدین در کابل قبل از طالبان نیز نقض وسیع حقوق بشر ادامه داشت... شکستجه، تجاوز جنسی و بد رفتاری با زنان که به مراتب رخ داده است اصولاً نقش زنان در تاریخ افغانستان برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی بسیار اندک است.

موانع مشارکت ملی زنان

زنان در افغانستان در دوره های مختلف و حکومت های گذشته نیز از دستیابی به فرصت های برای افزایش آگاهی و آموزش عالی محروم بودند بر علاوه مورد خشونت نیز قرار گرفتند. عواملی که مانع مشارکت سیاسی زنان در افغانستان می باشد زیاد بوده که بطور خلاصه به چند مورد می پردازیم:

عوامل روانشناختی: آنچه مانع حضور فعالانه زنان در مشارکت سیاسی است یعنی احساس بی قدرتی و نداشتن انگیزه برای فعالیت سیاسی می باشد چرا که آنها سیاست را پیچیده و همراه با خشونت فکر کرده و خارج از توان خود می دانند. (جین، فریدمن، ۲۶، ۱۲۸۱)

عوامل اجتماعی و اقتصادی: در جامعه افغانی زن نقش مادر و همسر، که یک نقش حساس و بی وقفه است دارد، که این نیز برای زنان فرصتی برای مطالعه و کسب آگاهی سیاسی نمی دهد. زنان مانند مردان فعالیت و اشتغال بیرون از خانه را ندارند بدون داشتن منابع مالی مناسب مشارکت سیاسی امکان پذیر نیست.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

بسیج شده توسط دولت ها در شرایط و زمان های خاص، مردم را تحریک کرده و برای یک اقدام خاص بسیج می گردند. مانند: شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، پارلمانی، شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی، شورا های شهر، انتخابات محلی، فعالیت و یا کمپاین برای نامزد یا حزب در طول انتخابات، ارتباط با دستگاه های حکومتی محلی و ملی، شرکت در جلسات سیاسی، تشکیل انجمن ها و نهادهای مدنی، عضویت یک حزب سیاسی و غیره. (رابرت، دال، ۴۴، ۱۳۶۴)

مشارکت سیاسی زنان در جوامع در حال گذار یعنی جوامعی که در حال توسعه اند، مشکلات و سختی های خود را دارد که افغانستان نیز از این گونه جوامع می باشد. جوامع در حال گذار به نظام های گفته می شود که از سنت به طرف مدرنیته و نوسازی در حرکت باشد. این گونه کشورها نیازمند مشارکت عمومی تمامی شهروندان اعم از زنان و مردان بطور مساویانه در حوزه های گوناگون اجتماعی و سیاسی می باشد. (حسین، بشیریه، ۱۲۸۵، ۲)

کشور ما که بیش از سه دهه جنگ های تحمیلی را تجربه کرده و تمامی زیر ساخت های آن نابود گردیده حتی حکومت های قبلی نظیر: نظام پادشاهی محمد ظاهر شاه، جمهوری سردار محمد داوود خان، حکومت دیموکراتیک خلق و در آخر نیز رژیم مجاهدین و بخصوص به قدرت رسیدن طالبان، وضعیت وخیم تر گردید که این دلایل آسیب های جدی به جامعه ی زنان وارد کردند. اولین ضربه ای که به پیکر زنان جامعه اما افغان وارد شده

مشارکت در لغت به معنی همکاری کردن و شریک شدن گروهی است. همچنان مشارکت سیاسی عبارت از همکاری گروهی مردم یک کشور در امور سیاسی و دولت سازی می باشد و نیز فعالیت سیاسی اعضای یک جامعه برای انتخاب رهبران شان می باشد. (پل، آبرامسون، ۱۲۴۱، ۱۳۸۳)

در گذشته مشارکت زنان در سایر جوامع به صورت پراکنده بوده، اما با گسترش و فرایند جهانی شدن حضور و فعالیت زنان در تمام عرصه ها در حال گسترش می باشد به گونه ای که در بسته ترین نظام های سیاسی جهان مانند: نظام های تک حزبی، شهروندان شان بخصوص زنان را از مشارکت در زمینه های گوناگون منع نمی کنند. چرا که هیچ جوامع بدون مشارکت شهروندان امکان ناپذیر بوده و برای تمامی جوامع این مسئله لازم و ضروریست. (نسرین، مصفا، ۲۵، ۱۳۷۵)

مشارکت سیاسی شامل هر نوع اقدام داوطلبانه ی موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا سازمان نیافته، مقطعی یا مستمر که برای تأثیر گذاری بر انتخاب سیاست های عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی، با روش های قانونی یا غیر قانونی را در بر می گیرد.

انواع مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را به طور کلی به دو نوع می باشد:

- ۱- مشارکت سیاسی خودجوش: مشارکت فعال و خودجوش به طور طبیعی از بن جامعه بر می خیزد.
- ۲- مشارکت سیاسی بسیج شده، اما مشارکت سیاسی





ادامه مطلب

عوامل فرهنگی: عرف و عینات جامعه مهم‌ترین موانع مشارکت سیاسی زنان می‌باشد چرا که افغانستان کشور است به شدت سنت ستیز و بخصوص در اکثر ولایات که حتی زنان اجازه انتخاب همسر برای خود را ندارد. این مسئله عملاً سبب سلب فرصت مشارکت زنان شده و با منزوی کردن زنان همچنان تمایز میان زن و مرد را ایجاد کرده است.

آینده مشارکت سیاسی زنان در افغانستان

در افغانستان در دهه‌های اخیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیز تصویب قانون اساسی، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی و... چند موضوع مورد توجه قرار گرفت که از آن جمله: حقوق بشر، آزادی بیان، مطبوعات آزاد از جمله حقوق زنان بوده است. با تدوین قانون اساسی جدید؛ جایگاه و مشارکت سیاسی زنان در قانون اساسی پذیرفته شد، که اگر به نحو احسن اجرا شود می‌تواند بسیاری از مشکلات زنان از جمله بحث مشارکت سیاسی آنان را نه تنها در رأی دهی بلکه در مشارکت سیاسی نیز حل کند. (قانون اساسی، ۱۳۸۲)

امروزه زنان در افغانستان با وضعیتی مواجه هستند که از سویی امیدواری‌هایی را درخصوص آینده آنان در این کشور به وجود دارد و از سوی دیگر چالش‌های نیز در این زمینه دیده می‌شود، چرا که رفتار انتخاباتی زنان بر اساس خواست همسران، پدران و یا برادران‌شان می‌باشد، بسیاری از زنان افغان رفتار سیاسی و مشارکت سیاسی مستقلانه از خویش ندارند. اگرچه قانون، حق برابری و آزادی

را در قانون اساسی نوین برای زنان تضمین کرده است، اما این موضوعات زیادتر بر روی کاغذ باقی مانده است تا عمل. (نانسی هاج، وبری، ۱۵، ۱۳۷۷) **نتیجه‌گیری**

زنان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که تاکنون به مذهب، سنت‌ها و باورهای کهن‌شان حاکم هستند، درگیر ذهنیت خود می‌باشند. بخصوص اینکه در آن نظام مردسالاری حاکمیت داشته باشد این امر مانعی مهم بر سر راه مشارکت سیاسی زنان می‌باشد، اما این زنان هستند که مهم‌ترین نقش را در تداوم بخشیدن همین نظام‌های مرد سالار، رسوم و سنت‌های غلط گذشته ایفا می‌کنند. چرا که مردان فردا در دامن زنان امروز تربیت و پرورش می‌یابند. مسأله زنان در واقع یک مسأله فرهنگی و مذهبی است و حل آن نیز در کنار وضع قوانین و نهادینه ساختن امور زنان در قوانین، نیازمند کار و برنامه ریزی می‌باشد. افغانستان یک کشور کثیرالاقوام می‌باشد که انواع فرهنگ‌ها در آن حاکمیت دارد. آنچه زنان افغان به آن نیاز دارند آگاهی است و این آگاهی تنها با وقع چند قانون ممکن نیست مگر اینکه باید از طریق عالمای دینی برای مردم فهمانده شود تا بتوانند به صورت تدریجی تغییر کنند و در این راه مسئولیت بر دوش خود زنان نیز هست. زنان افغان باید نشان بدهند که می‌توانند شرایط را تا حدودی به نفع خود تغییر بدهند، اما این تلاش‌ها باید افزایش یافته تا رسیدن به هدف که همانا برابری حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان افغان با مردان امور خارج

است راه درازی در پیش دارند.

پیشنهادات:

با بخشی که در مورد مشارکت زنان در یک جامعه داشتیم می‌توان به عنوان پیشنهاد این چند موضوع را ارایه نمود:

- ۱- ارایه معلومات در مورد نقش مشارکت زنان در توسعه کشور از طریق علمای دین
- ۲- ایجاد زمینه ظرفیت سازی اقتصادی برای زنان افغان.
- ۳- نقش رسانه‌ها برای پررنگ کردن مشارکت زنان در دولت.
- ۴- ایجاد سمینارها و گفت‌وگوها برای شناخت زنان نخبه و برقراری ارتباطات بین‌شان.
- ۵- توازن و برقراری حقوق بین زن و مرد در دوایر دولتی در ولایت‌های کمتر توسعه یافته.

منابع:

- (۱) أبرامسون، پل (۱۳۸۳). (مشارکت سیاسی، ترجمه نسرين طباطبایی، تهران: وزارت امور خارجه.
- (۲) بشریه، حسین، ۱۳۸۵، جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، تهران.
- (۳) دال، رابرت (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران، انتشارات ظفریان.
- (۴) وبری، نانسی هاج (۱۳۷۷)، زنان افغان تحت حکومت طالبان، افغانستان، طالبان و سیاستهای جهانی، مترجم محقق، مشهد، انتشارات ترانه.
- (۴) فریدمن، جین (۱۳۸۱)، فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، انتشارات آشیان.
- (۵) قانون اساسی افغانستان جدید مصوب ۱۳۸۲.
- (۶) مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه.





حمله سایبری چیست؟

و در یک کلام ایجاد خسارت به یک کامپیوتر و یا شبکه‌های کامپیوترها است.

سازمان «میان گروه» با انتشار گزارشی خبر از استفاده از یک بدافزار برای حمله به اقلیت‌های قومی و مذهبی داد. در این گزارش آمده بود "هکرهای حکومتی ایران در این حمله با استفاده از یک بدافزار به بیش از صد نفر شامل فعالین حقوق ترک‌ها و درویش گنابادی حمله کردند."

فیشینگ (Phishing)

عبارت Phishing برگرفته شده Password Harvesting fishing به معنی به تلاش برای به دست آوردن رمز عبور یک وبسایت با استفاده از ایجاد وبسایت یا صفحه جعلی اما از نظر ظاهر کاملاً همانند و یکسان با سایت اصلی است. عبارت Password Harvesting Fishing در فارسی "شکار گذرواژه کاربر از طریق یک طعمه" نیز ترجمه شده است. در عبارت Phishing حرف Ph به جای F برای القای مفهوم "فریفتن" جایگزین شده است. درست همانند ماهیگیری که ماهی را با یک طعمه فریب می‌دهد.

هکرهای حکومتی ایران دارای یک سابقه طولانی و مکتوب شده در استفاده از این روش هستند. البته آنها از سایر روش‌ها هم استفاده می‌کنند اما فیشینگ یکی از پرکاربردترین روش‌ها نزد هکرهای حکومتی جمهوری اسلامی ایران است.

اداره مطالعات امنیت ملی



نام برد، برنامه دیگری ساخت که می‌توانست Creeper را پیدا و حذف کند. گفته می‌شود این برنامه نیز یکی از اولین برنامه‌های ضد ویروس بود. با توجه به حمله‌های سایبری امروز Creeper تنها یک برنامه مزاحم بود که یک پیغام را نمایش می‌داد، اما این روزها ما با حمله‌هایی رو به رو هستیم که در صورت آماده نبودن برای برخورد با آنها ممکن است کار به از دست رفتن جان انسان‌ها بی‌انجامد، حمله‌های بسیار گسترده‌تر، پیچیده‌تر و خطر آفرین‌تر.

برای انجام حمله‌های سایبری روش‌ها و راه کارهای گوناگونی وجود دارد اما شاید بتوان اکثر حمله‌های سایبری را در هشت نوع دسته بندی کرد:

بدافزار (Malware)

عبارت Malicious کوتاه شده Malware نرم‌افزار مخرب است که در فارسی به آن بدافزار گفته می‌شود. بدافزار در واقع یک تکه کد مانند هر نرم‌افزار دیگری است که توسط یک یا چند برنامه‌نویس تولید شده است. هدف این کد مخرب ایجاد اختلال، جاسوسی، سرقت

اطلاعات، کنترل از راه دور بر روی کامپیوتر قربانی

بر اساس تعریف کلاسیک به هر نوع تلاش برای دستیابی به اطلاعات خصوصی و محرمانه یا اختلال ایجاد کردن در شبکه‌های کامپیوتری حمله سایبری می‌گویند. به عبارت ساده‌تر هر نوع حمله از یک کامپیوتر و یا شبکه‌ای از کامپیوترها به یک و یا شبکه‌ای از کامپیوترهای دیگر، یک حمله سایبری است.

گفته می‌شود که باب توماس (Bob Thomas) در سال ۱۹۷۱ اولین حمله سایبری را انجام داد. حمله‌ای که با مقیاس حمله‌های سایبری این روزها چندان حمله محسوب نمی‌شود. او برنامه‌ای نوشته بود که خود را تکثیر می‌کرد و روی کامپیوتر قربانی عبارت "I'M THE CREEPER : CATCH ME" "IF YOU CAN" به معنی "من خزنده هستم؛ اگر می‌توانی مرا بگیر". این چند خط کد به Creeper معروف شد.

او بعد از انتشار وسیع این کد در شبکه ARPANET که می‌توان از آن به عنوان پدر/مادر اینترنت فعلی





مرد میانی (Man in the middle)

حمله مرد میانی در واقع یک روش شنود است. تصور کنید که شما با دوست خود از طریق یک واسطه که موفق شده است اعتماد شما را جلب کند در تماس هستید. این فرد میانی موفق می‌شود تا هر دو شما را قانع کند که شما دارای یک ارتباط خصوصی و مستقیم هستید، اما عملاً تمام گفتگوی شما را شنود می‌کند و حتی ممکن است در مواردی در آنها تغییر ایجاد کند. به چنین اقدامی حمله مرد میانی گفته می‌شود.

در آگوست سال ۲۰۱۱ گوگل اعلام کرد که موفق شده است حمله هکریهای حکومتی ایران را که از این روش برای حمله به مخالفین سیاسی و فعالین حقوق بشر استفاده می‌کردند را شناسایی و آن را مسدود کند.

تزریق اس.کیو.ال (SQL injection)

این حمله به صورت مستقیم به بانک اطلاعاتی است. Structured Query Language یا SQL یک زبان برای استخراج داده‌ها از بانک‌های اطلاعاتی است. حمله کننده در این روش با پیدا کردن رخنه‌های امنیتی تلاش می‌کند تا به بانک اطلاعاتی نفوذ کند. هدف به سرقت بردن اطلاعات شامل رمز عبور و یا تخریب اطلاعات ذخیره شده در بانک اطلاعاتی است.

بهره برداری روز صفر (Zero-day exploits)

حمله روز صفر به سوء استفاده از حفره‌های امنیتی در برنامه‌های کامپیوتری گفته می‌شود که هنوز یا توسط سازنده کشف نشده‌اند و یا اگر کشف شدند هنوز آنها تعمیر نشدند. یکی از معروف‌ترین این حمله‌ها ویروس Stuxnet بود که تأسیسات غنی‌سازی اتمی ایران را هدف قرار داده بود. سازنده‌های Stuxnet چهار رخنه امنیتی در ویندوز را پیدا کرده بودند که هنوز کسی از آنها خبر نداشت، بنابراین برنامه‌ای ساختند تا با استفاده از این چهار رخنه بتوانند در روند غنی‌سازی اورانیوم ایران اختلال و یا تخریب ایجاد کنند.

کریپتوجکینگ (Cryptojacking)

یکی از راه‌های تولید پول و ارز دیجیتال استفاده از کامپیوتر است. در این فرایند کاربر با استفاده از منابع کامپیوتر خود مانند برق، پردازشگر و حافظه یک سری دستورالعمل‌های را اجرا می‌کند که در نتیجه آن می‌تواند ارز دیجیتال تولید کند. برای تولید زیاد ارز دیجیتال شما به میزان زیادی مصرف این منابع دارید که گاهی به صرفه نیست. به همین دلیل حمله کننده به روش Cryptojacking بدون اطلاع شما شروع به استفاده از منابع کامپیوتر شما می‌کند تا ارز دیجیتال مورد نظر خود را برای خودش تولید کند. در واقع به بیان ساده، حمله کننده منابع شما را به سرقت می‌برد.

ادامه مطلب

باج افزار (Ransomware)

باج‌افزار از بسیاری از جهات همانند بدافزار است با این تفاوت عمده که با هدف باج‌گیری ساخته شده است. در این نوع حمله معمولاً حمله کننده اطلاعات کامپیوتر قربانی را رمزگذاری می‌کند به شکلی قابل استفاده نباشد و که برای باز کردن رمز از قربانی درخواست پول می‌کند. به عبارت ساده با گروگان گرفتن اطلاعات کامپیوتر برای آزادی آنها طلب پول می‌کنند.

یکی از معروف‌ترین و مخرب‌ترین باج‌افزارهای معاصر Wannacry بود. این بدافزار در سال ۲۰۱۷ در سراسر جهان از جمله ایران حدود ۲۰۰ هزار کامپیوتر را آلوده کرد و برای باز کردن قفل کامپیوترها از قربانی درخواست بیت‌کوین (ارز دیجیتال) به ارزش ۳۰۰ دلار می‌کرد.

خوشبختانه این بدافزار بسیار خطرناک که بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی را آلوده کرده بود و در اثر کار نکردن تجهیزات پزشکی جان بسیاری از بیماران را در خطر قرار داده بود توسط هکر جوان ۲۲ ساله‌ای به اسم Marcus Hutchins از کار افتاد.

خودداری از خدمات (Denial of service)

یک ضرب‌المثل ایرانی می‌گوید "با یک دست دو هندوانه نمی‌شود برداشت" شاید بهترین توصیف برای چنین حمله‌ای باشد. این مثل اشاره به محدودیت قدرت حمل و نقل دارد. داده‌های کامپیوتری نیز به همین شکل هستند. هر سایت و یا سرویس آنلاین تنها می‌تواند به میزان محدود و مشخصی از درخواست‌ها پاسخ دهد.

زمانی که شما عبارت www.bbcpersian.com را در مرورگر خود وارد می‌کنید، این شبکه کامپیوتری تنها به میزان مشخصی از درخواست برای بازدید از این سایت می‌تواند پاسخ دهد که البته تکنیک و روش‌ها وجود دارد که بتوان درخواست‌ها را مدیریت کرد که در حوصله این مطلب خارج است. زمانی که این سایت یا سرویس زیر بار زیاد قرار بگیرد مانند انسانی که زیاد کار کند از هوش خواهد رفت و دیگر قادر نیست تا به درخواست‌ها پاسخ دهد.

هدف چنین حمله‌ای از دسترس خارج کردن یک وب‌سایت و یا سرویس متصل به یک شبکه کامپیوتری است که عمدتاً برای ایجاد اختلال در سرویس‌دهی انجام می‌شود.





کارگاه آموزشی عوامل جامعه شناختی قوم گرایی در افغانستان

کارگاهی تحت نام (عوامل جامعه‌شناختی قوم‌گرایی در افغانستان) با توزیع تصدیق‌نامه برای بیش از چهل تن از علاقه‌مندان این موضوع از سوی شورای متخصصان هرات برگزار شد.

برگزارکننده‌گان، هدف از این کارگاه آموزشی را بلند بردن سطح دانش و تخصص اشتراک‌کننده‌گان در مورد عوامل قوم‌گرایی و بحث در مورد راه کارها برای کاهش آن در اجتماع می‌دانند.

اشتراک‌کننده‌گان کارگاه از برگزاری این کارگاه ابراز خرسندی کرده و آن را برای آگاهی‌دهی در مورد معضل قوم‌گرایی مثبت ارزیابی می‌کنند.

هایده رسولی، یکی از اشتراک‌کننده‌گان این کارگاه آموزشی بیان می‌کند: "هدف از اشتراک‌من در این کارگاه آموزشی بالا بردن سطح آگاهی در مورد عوامل قوم‌گرایی بوده است."

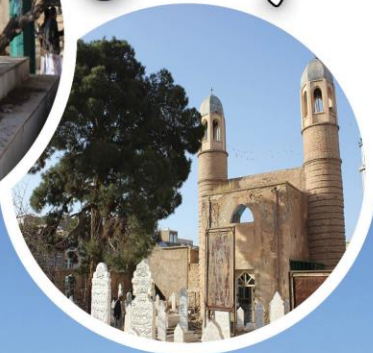
وی می‌افزاید، این کارگاه کمک خواهد کرد، تا در مورد اثرات مخرب قوم‌گرایی آگاهی حاصل شود و این آگاهی منجر به برقراری ارتباط سالم خواهد شد.

فرید احمد جمالی؛ ابراز می‌دارد که قوم‌گرایی از معضلات عمده جامعه فعلی ماست و نیاز است که در این مورد به گونه‌ای تخصصی آگاهی دهی شود، تا ریشه این معضل بررسی و برای حل آن اقدام اساسی صورت گیرد. در همین حال، سید محمد فقیری مدرس این کارگاه و استاد دانشگاه می‌گوید: "از نظر من قوم‌گرایی معضل اساسی فراه روی ملت‌سازی در افغانستان است و همین قوم‌گرایی باعث شکاف‌های عمیق در جامعه شده است و این زیست مسالمت‌آمیز را در جامعه به مشکل روبرو ساخته است. آقای فقیری افزود، این مسولیت نهادهای آکادمیک است که افکار عمومی را متقاعد کنند تا به دنبال راه حل اساسی برای برطرف کردن این مشکل باشند.

قابل ذکر است که در این کارگاه روی موضوعات: چیستی قوم‌گرایی، ریشه‌های تاریخی قوم‌گرایی در افغانستان، ریشه‌های فرهنگی قوم‌گرایی در افغانستان، روایت‌های قومی در افغانستان، نبود اجماع پیرامون نمادها، دشواری‌های گذار از هویت قومی به هویت ملی، گفتمان قوم‌گرایی در منطقه، چیستی هویت، و بیان راه حل‌ها بحث شد.

این کارگاه روز چهارشنبه، ۲۱ عقرب و پنجشنبه، ۲۲ عقرب سال جاری در شورای متخصصان هرات برگزار شد.

تصاویری از آرامگاه خواجه محمد طائی (ع)



عکاس: فریبا اکبری

در سال‌های ۱۳۴۰ هـ ش نیز مزار آن بزرگوار که تخریب شده بود به همت محترم صوفی زاده تاجر خیر هرات دوباره ترمیم گردید. آرامگاه حضرت خواجه طاق بیرون درب‌خوش در جنوب جاده که از دروازه خوش بجانب تانک مرکز می‌رود موقعیت دارد. در کنار آرامگاه ایشان مسجدی به این تازگی‌ها ساختند.

من است، و اگر او را نمی‌دیدم اعتماد مذهب حق نمی‌دانستم. در زمان تیموریان، شاهرخ میرزا فرزند امیر تیمور گورگان بر سر آرامگاه‌اش عمارتی ساخت و سلطان حسین بایقرا دهلیز جنب آن ساختمان بنا نهاد. در زمان حکومت امیر عبدالرحمن خان مزار خواجه طاق ترمیم شد و دو عدد لوحه سنگ بخت نستعلیق نیز نصب گردید.

ابوعبدالله محمد مشهور به خواجه طاق (رح) متولد زنج سیستان که عمر خود را در هرات گذراند. در علوم شریعت و طریقت و حقیقت درجه علیا داشت و رسوم صوفیه و اشارات را ایشان نیکو می‌دانست. حضرت شیخ‌الاسلام پیر هرات فرمودند که هرگز هیچ بزرگی با هیبت‌تر از خواجه طاقی را ندیده‌ام و او پیر



کارگاه آموزشی

حکومت‌داری خوب



شورای متخصصان هرات به سلسله فعالیت‌های قبلی خود کارگاهی را تحت نام "حکومت‌داری خوب" برای دانشجویان و علاقه‌مندان این موضوع برگزار کرد.

این کارگاه با توزیع تصدیق‌نامه برای بیش از ۳۵ تن از اشتراک‌کننده‌گان پایان یافت.

مسوولان برگزارکننده، حکومت‌داری خوب را از راه‌های دست یافتن به توسعه دانسته و هدف از برگزاری این کارگاه را آگاهی‌رسانی تخصصی برای درک درست این موضوع می‌گویند.

اشتراک‌کننده‌گان این کارگاه برای آگاهی از حکومت‌داری خوب مؤثر عنوان کردند.

شیرین محتسب زاده، از جمله اشتراک‌کننده‌گان این کارگاه است وی هدف اشتراک‌اش را در این کارگاه آموزشی چنین توصیف می‌کند.

"هدف من از اشتراک در این کارگاه فهمیدن و درک عمیق از حکومت‌داری خوب بوده، به دلیل اینکه من رشته اداره و پالیسی عامه را می‌خوانم و آگاهی از این موضوع یک نیاز مبرم برای من است.

محمد الیاس رحیمی اشتراک‌کننده‌ی دیگر این کارگاه آموزشی است. او می‌گوید: "افغانستان کشوریست که مردم آن کمتر در مورد حکومت‌داری خوب می‌دانند، بنابراین برگزاری این چنین کارگاه‌ها می‌تواند که سطح آگاهی مان را بلند ببرد."

در همین حال، هادی خردورز جويا استاد پوهنتون/ دانشگاه که مسوولیت تدریس این کارگاه آموزشی را به دوش داشت بیان کرد، حکومت‌داری خوب امروزه یک ضرورت است، چون در نظام‌های دموکرات مردم تصمیم‌گیرنده اصلی در حکومت هستند و این مردم باید در مورد چگونگی یک حکومت خوب بدانند.

آقای جويا اضافه کرد، عمده‌ترین چالش‌فراه راه حکومت‌داری خوب در کشور ما فساد اداری است و این مشکل را بیداری مردم، جدیت حکومت و آگاهی‌رسانی می‌تواند حل کند. پاسخگوئی، مشارکت خوب، پیش‌بینی(قانون‌گرایی) و شفافیت از موضوعات مورد بحث در این کارگاه بود. قابل ذکر است که این کارگاه روز چهارشنبه، ۲۸ عقرب و پنجشنبه، ۲۹ عقرب در شورای متخصصان هرات برگزار شد.

رونق تولید اشیای تزئینی از سنگ مرمر در هرات



شمع‌های بی‌سی

دهه پیش تهداب‌گذاری شد حالا حدود ۳۰۰ کارخانه دارد. شماری از این کارخانه‌ها به دلایل مختلف و از جمله آنچه که عدم حمایت دولت از بخش خصوصی خوانده می‌شود از کار افتاده است.

با این همه، این شهرک برای هزاران نفر زمینه کار فراهم کرده و از ذوب آهن گرفته تا تولید اجناس غذایی، پوشاکی و مصالح ساختمانی، تولیداتش را وارد بازار می‌کند و حتی برخی از اقلام تولیدی این شهرک به کشورهای دور و نزدیک صادر می‌شود.

به تازگی پس از افتتاح پروژه خط آهن خواف- هرات این امیدواری به وجود آمده که افغانستان در مجموع و به صورت خاص، صنعتگران هرات بتوانند در زمینه وارد کردن مواد خام و نیز صدور تولیدات صنعتی به کشورهای منطقه به سهولت‌های بیشتر دست یابند.

هرات به دلیل فعالیت این شهرک صنعتی به یکی از مراکز مهم صنعتی و اقتصادی افغانستان مبدل شده اما چالش‌های امنیتی در سال‌های اخیر بر فعالیت این شهرک اثر منفی گذاشته و حتی شماری از سرمایه‌داران هست و بودشان را به خارج از افغانستان منتقل کرده‌اند.

پیش از این شماری از سرمایه‌گذاران هرات به بی‌بی‌سی گفته بودند که مترصد و مراقب وضعیت هستند و اگر حالات امنیتی بهتر نشود ممکن است سرمایه‌هایشان را به کشورهای ترکیه، ایران و ازبکستان منتقل کنند.

کارخانه‌داران هرات همیشه با اشاره به بسته‌های تشویقی و امتیازهایی که کشورهای همسایه افغانستان برای صنعتگران در نظر می‌گیرند از دولت افغانستان به خاطر نداشتن برنامه‌های مشابه انتقاد کرده‌اند.

حکومت افغانستان اما همیشه گفته که به صنعت و حمایت از صنعتگران به چشم یکی از اولویت‌های کلان نگریده است و تا حد امکان از کمک به این بخش دریغ نمی‌کند. وزارت تجارت افغانستان هم اخیراً گفته که دولت برای جلوگیری از واردات کالاهای مشابه آنچه که در افغانستان تولید می‌شود و نیز در مبارزه با فساد و قاچاق کالا برنامه‌هایی روی دست دارد.

بیشتر مشغول تهیه سنگ‌های ساختمانی هستند. آقای شریفی می‌گوید شهرک صنعتی هرات این ظرفیت را دارد که هر ماه به ارزش معادل نیم میلیون دلار از ضایعات سنگ اشیای تزئینی بسازد اما حالا بیشتر این اشیاء در انبارخانه‌ها ذخیره می‌شود.

او می‌گوید: "چون امنیت در افغانستان خوب نیست سیاحان (گردشگران) نمی‌آیند. به همین خاطر اکثر این اشیای سنگی در گدام‌ها (انبارهای) ما نگهداری می‌شود. اگر کسی فرمایش بدهد برایش می‌سازیم و روان می‌کنیم اما در غیراین پیش ما می‌ماند."

مسئولان کارخانه‌های تولید صنایع دستی سنگی می‌گویند دولت افغانستان باید برای تشویق صنعتگرانی که با خلاقیت به فعالیت ادامه می‌دهند برنامه‌های دقیق و منظمی تهیه و اجرا کند.

ظاهراً صدور این اشیاء به دلیل وزن بالای که دارند هزینه بر است اما شماری از تاجران هراتی می‌گویند حتی در داخل برای این اشیاء بازاریابی نشده است.

رومینا عثمانی، از زنان تجارته‌پیشه در هرات است. او می‌گوید تا این اواخر هم اطلاع نداشته که از ضایعات سنگ چنین اشیای نفیسی ساخته می‌شود.

خانم عثمانی می‌گوید: "در قدم نخست نیاز داریم که در داخل خانه‌های خود از این محصولات کار بگیریم. من که خانم را ساختم خبر نداشتم و کارهای خانه ام را از جنس خارجی ساختم. باید تبلیغات گسترده‌ای از طریق شبکه‌های مجازی صورت بگیرد تا هم اینها را ببینند و سفارش بدهند و تهیه کنند."

هرات معادن غنی سنگ مرمر دارد. در گذشته نگرانی نسبت به آنچه که استخراج غیرمعماری سنگ مرمر و ضایع شدن تکه‌های کلان سنگ خوانده می‌شود مطرح شده است اما حالا ظاهراً با رونق گرفتن این صنعت جدید میزان ضایعات سنگ هم کمتر می‌شود.

شهرک صنعتی هرات: چالش‌های امنیتی و اقتصادی

شهرک صنعتی هرات که در جنوب این شهر نزدیک به دو

تولید اشیای تزئینی از انواع سنگ در کارخانه سنگ مرمر در هرات رونق گرفته است.

شهرک صنعتی هرات چندین کارخانه سنگبری مرمر دارد. این کارخانه‌ها سنگ‌های تعمیراتی تولید می‌کنند اما حالا از ضایعات و سنگ‌ریزه با دست، قندان‌ها شمع‌دان‌ها، گلدان‌ها و مجسمه‌های ظریف ساخته می‌شود.

در هرات و ولایت‌های همجوار، خانه‌های افراد متمول حالا سنگ‌کاری می‌شود. سنگ‌های مصرف شده در این ساختمان‌ها هم تولید هرات است. ضایعات سنگ‌های تعمیراتی نیز در طاچه‌های سالن‌ها و دفاتر برای شان جا باز می‌کنند چون تبدیل می‌شوند به اشیای تزئینی مرغوب که هم سنگند و هم با دست کار شده‌اند.

در شهرک صنعتی هرات، دست کم پنج کارخانه حالا از شمعدان، قندان و گلدان‌های ظریف گرفته تا مجسمه‌های انواع پرندگان و حتی تندیس‌های انسان را تولید می‌کنند.

حمیدالله خادم، رئیس اتاق معادن و صنایع هرات می‌گوید این اشیای تزئینی کم کم به دیگر کشورها هم برده می‌شود.

آقای خادم می‌گوید: "سنگ‌های تعمیراتی که رنگ‌ها و زیبایی‌های خاصی دارد در کنار اینکه در ساختمان استفاده می‌شود در بخش هنرهای دستی هم استفاده می‌شود.

خوشبختانه به عنوان یکی از مرغوبترین محصولات تولیدی صنایع دستی هرات همیشه به عنوان تحفه به خارج از کشور برده می‌شود و در تزئین خانه‌ها به کار برده می‌شود"

این اشیاء از سنگ مرمر و رخام استخراج شده از معادن هرات و هلمند، ساخته می‌شود. سنگ‌هایی که رنگ‌های جذابی مثل گلابی، یاقوتی، سبز و سفید دارند.

محمد نعیم شریفی، معاون یکی از کارخانه‌های سنگ مرمر در هرات است. او می‌گوید دست ساز بودن این صنعت به ارزش تولیدات آن افزوده است.

آقای شریفی می‌گوید: "این‌هایی که در افغانستان اینقدر زیبا پرورش می‌شود دلیلش این است که با دست انجام می‌شود. کشورهای دیگر هم این نوع تولیدات دارند اما با ماشین می‌سازند کار دست با کار ماشین خیلی فرق دارد."

با این همه، کارخانه‌های سنگبری مرمر در هرات





تغییرات اقلیمی اثرات و پیامدهای

آب پرمنابع آب و محیط زیست

نویسنده: پوهاند عبدالرحیم (امید)

انتخاب گزینه‌های مناسب
 • انتخاب ارقام مقاوم به خشکی و مقاوم به امراض و آفات و ارقامی که برای دماهای بالاتر مناسب هستند، لازم است.
 • در مناطقی که انتظار افزایش دما و کاهش باران وجود دارد ارقامی از محصولات که توانایی به گل نشستن زودتر را دارند و مرحله دانه پر کردن آن‌ها در هوایی خنک‌تر و مرطوب‌تر فصل رشد انجام می‌شود، انتخاب شوند.
 • آمادگی برای کشت محصولات جایگزین و رویکرد مناسب با شرایط، پیش‌گرفته شود به عنوان مثال، وقتی در اثر افزایش گرما خطر دانه نیستن و یا لاغر شدن دانه‌های غلات وجود دارد کاشت گیاهان علوفه‌ای برای پرهیز از شرایط گرمای بالا توصیه می‌شود.

• چنانچه شدت تغییرات دما در شب و روز شبیه هم است برای استفاده بهینه از رطوبت می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:
 • افزایش پوشش بقایای گیاهی به خصوص با استفاده از شخم کم،
 • کاشت گیاهان با بازده مصرف آب بالا،
 • ایجاد پوشش برای گیاهان در دوره‌ای که تبخیر بالاست،
 • کنترل و مدیریت علف‌های هرز،
 • حد اکثر کردن استحصال و ذخیره آب اضافی از طریق افزایش ارتفاع پشته‌ها و هدایت جریان آب به محل ذخیره آب.

مدیریت خاک

مدیریت مؤثر خاک در فعالیتهای کشت و زرع باعث می‌شود وضعیت خاک بهبود و بازده کودها از جمله کود نیتراژ افزایش پیدا کند که هم برای تولید کننده و کشاورز منفعت آورست و هم موجب کاهش خروج گازهای گلخانه‌ای و بهبود پایدار محیط زیست می‌گردد.

اثرات محتمل

• مصرف بی‌رویه (غیر بهینه) نیتروژن می‌تواند منجر به تلفات بیشتر آن از طریق آیشویی (نفوذ عمقی) و رواناب شود.
 • در باران‌دگی‌های شدید افزایش آیشویی کودها و عناصر غذایی گیاهی ممکن است منجر به کاهش کیفیت خاک شود و کاهش بارندگی ممکن است موجب کاهش پوشش گیاهی و افزایش احتمال فرسایش بادی و آبی گردد.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

جدول زیر تأثیر افزایش دما در سه روز بسیار گرم بر نیاز آبی گیاه گوجه فرنگی در آدلاید استرالیا جنوبی در مقایسه با تأثیر میانگین دراز مدت دما (حسن لی ویزانتی، ۲۰۱۰).

ماکزیمم و تعریق و تعریق تاریخ	مینیمم دما (C) o	دمای میانی (C) o	سرعت باد (متر بر ثانیه) %	رطوبت نسبی (میلی متر)	تبخیر (میلی متر در روز)
۲۰۰۹/۰۱/۱۳	۲۱/۰۱	۲۱/۷	۳۱/۹	۷/۹	۱۰/۵
۲۰۰۹/۰۱/۲۸	۲۳/۳۵	۲۳/۷	۳۴/۸	۸/۱	۱۰
۲۰۰۹/۰۱/۲۹	۲۳/۵۶	۲۳/۴	۳۸/۶	۸/۸	۱۵
میانگین	۶/۴۱	۲۸/۱	۱۴/۹	۲۱/۵	۵/۹
دراز مدت	۶/۸	۲۲/۳	۴۲/۳	۵/۹	۲۱/۵

هرچند نمی‌توان در کوتاه مدت این تفاوت پارامترهای اقلیمی را به پای تغییر اقلیم گذاشت ولی تأثیر تغییر پارامترهای اقلیمی به خصوص دما را در این بر آورد به خوبی می‌توان ملاحظه کرد. دمای ۱/۴۲ تا ۸/۴۵ درجه سانتی گراد در روزهای ۱۳ تا ۲۹ ژانویه که دمای طاقت فرسایی در استرالیاست موجب گرما زدگی محصول گوجه فرنگی نیز شد. براساس گفته‌های تونی ووراسی، مالک مزرعه به نویسنده، به خاطر بالا رفتن دما از عملکرد مورد انتظار او در آن سال حدود ۳۰ فیصد کاسته شد.

گزینه‌های سازگاری

اساساً هر مزرعه باید برای کاشت گونه‌های مناسبی مورد ارزیابی قرار بگیرد و در مناطق حاشیه‌ای برای تعیین درجه انعطاف پذیری و پایداری، ارزیابی خطر به عمل می‌آید.



دلیل کاهش مصرف انرژی در کاربرد کمتر ماشین آلات موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای می‌شود.

کاهش گازهای گلخانه‌ای محاسبه کردن

بخش کشاورزی سهم قابل توجهی در تولید گازهای گلخانه‌ای دارد. براساس گزارش بخش تغییر اقلیم، سهم کشاورزی استرالیا (به انضمام بخش انرژی و حمل و نقل مربوطه به آن) در تولید گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۰۶ حدود ۱۵/۶٪ بوده است که دومین بخش بزرگ تولید گازهای گلخانه‌ای در این کشور به حساب می‌آید. البته بخش کشاورزی به همراهی زراعت جنگل به طور بالقوه نقش مؤثری در کاهش و کنترل گازهای گلخانه‌ای از طریق جداسازی کربن و ذخیره آن در خاک و گیاه بازی می‌کند. به همین دلیل کشاورزی هم به عنوان منبع تولید گازهای گلخانه‌ای و هم منبع جداسازی کربن از هوا سپهر و جذب و ترسیب گازهای گلخانه‌ای نقش مهم در تبادلات و کنترل گازهای گلخانه‌ای دارد. تا به امروز بخش کشاورزی به عنوان یکی از بخش‌های مهم استرالیا در کاهش گازهای گلخانه‌ای نقش داشته است. در طرح ملی اجباری کاهش آلودگی کربن که دولت استرالیا تهیه کرده بخش کشاورزی را تا سال ۲۰۱۵ از این طرح معاف کرده است. در این طرح قرار است هر بخش تولیدی و یا خدماتی متناسب با میزان کربنی که تولید می‌کند هزینه آن را پرداخت نماید و هر بخش تولید کننده‌ی کربن موظف است با استفاده از فناوری‌های موجود و در صورت لزوم تغییر روش / فتولید کربن را کاهش دهد. البته با توجه به اهمیت کنترل انتشار کربن قرار است میزان تولید کربن در بخش کشاورزی که اندازه‌گیری و پایش آن از پیچیدگی خاصی برخوردار است همچنان به عنوان موضوع غیر قابل اجتناب در دست بررسی باشد تا راهکار مناسبی برای آن جستجو شود.



تعیین بخش کشاورزی در طرح کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای به توافقات بین المللی بستگی دارد براساس توافق پروتکل کیوتو بسیاری از دولت‌ها از جمله دولت استرالیا متعهد شده‌اند که قانون محاسبه کربن را در کشور اجرایی کنند. دولت استرالیا طرحی را به عنوان "طرح کاهش آلودگی کربن" (CPRS) در راستای اقدامات کاهش اثرات تغییر اقلیم به اجرا گذاشته است که تأثیر قابل توجهی بر سیاست مصرف انرژی در این کشور داشته است.

مدیریت انتشار گازهای گلخانه‌ای از خاک

اکسید نیتروس (N₂O) یکی از گازهای گلخانه‌ای مؤثر بر گرمایش زمین است. براساس گزارش بخش تغییر اقلیم استرالیا یک کیلوگرم اکسید نیتروس به اندازه ۳۱۰ کیلوگرم گاز کربنیک بر گرم شدن زمین تأثیر دارد. بیشترین گاز اکسید نیتروس در استرالیا از بخش کشاورزی تولید می‌شود. سهم کشاورزی در تولید این گاز گلخانه‌ای حدود ۶۰٪ تخمین زده می‌شود. این در حالیست که براساس گزارش آی پی سی سی گاز اکسید نیتروس ۷٪ گازهای گلخانه‌ای را تشکیل می‌دهد یکی از دلایل آن مصرف بالای کود نیتروژن برای تولید محصولات کشاورزی و علوفه‌ای در این کشور است. بیشتر گیاهان تنها کمتر از ۵۰٪ نیتروژنی که به صورت کود به زمین داده می‌شود را مصرف می‌کنند. بقیه آن وارد محیط شده و ضمن ایجاد آلودگی مستقیم زیست محیطی موجب تولید گازهای می‌گردد. برنامه‌ریزی‌های که موجب افزایش بازده مصرف نیتروژن شده می‌تواند انتشار این گاز را کاهش تأثیر گازهای گلخانه‌ای را تعدیل و در عین حال موجب پایداری محیط زیست و سودآوری تولیدات کشاورزی شود.

ادامه مطلب در صفحه بعدی

• فشرده‌گی و کوپیدگی خاک یا غرقاب شدن آن ممکن است باعث ایجاد شرایط غیر هوایی شده و شرایط مطلوبی برای تبدیل نیتروژن در فرآیند دنیتریفیکیشن (Denitrification) شود. در صورت رخ دادن این فرآیند، نیترات که فرمی مناسب برای مصرف گیاه است به اکسید نیتروس که فرمی غیر قابل مصرف برای گیاهان و علاوه بر آن یکی از گازهای گلخانه‌ای است تبدیل شود.

• ممکن است اسیدی شدن خاک بر اثر افزایش غلظت دی اکسید کربن افزایش یابد. • افزایش شدت بارندگی به همراه افزایش سطح گاز کربنیک ممکن است موجب افزایش آبشویی و نفوذ عمقی آب به پایین‌تر از ریشه شده و موجب بهبود کنترل شوری خاک گردد. اما این حالت ممکن است برای مناطقی که بارندگی پایزه و زمستانه در اثر تغییر اقلیم کاهش پیدا می‌کند اتفاق نیفتد.

گزینه‌های سازگاری با شرایط تغییر اقلیم

- فرسایش خاک و دیگر خطرات اقلیم ممکن است با اقدامات زیر کاهش پیدا کند:
- باز گرداندن بقایای گیاهی به خاک.
- کاهش دوره‌ای بیش.
- کاهش کشت دیم در مناطقی که خطر عدم بارندگی کافی بالاست.
- ایجاد پیشه‌های روی خطوط کانتور (هم ارتفاع) در هر جای ممکن.
- کاهش توان بالقوه شور شدن خاک با کاشت گیاهان عمیق ریشه در برنامه تناوب کاشت.
- اطمینان از مقدار نیتروژن مورد نیاز با انجام آزمایش خاک و گیاه پیش از عملیات کود دهی، کار برد کود نیتروژن براساس محاسبه عملکرد مورد هدف و نیاز گیاه در طول دوره رشد، کود دهی به دفعات با مقدار کم به جای کود دهی یکباره به مقدار زیاد برای اطمینان از حداکثر جذب و حداقل تلفات. اخیراً در تحقیقی در استرالیا مفید بودن کود آبیاری با دفعات زیاد در آبیاری تحت فشار گزارش شده است.
- اطمینان از زهکشی مناسب خاک برای پرهیز از غرقاب شدن آن. ممکن است مدیریت حوضه آبخیز برای تنظیم اثر بارندگی بر زهکشی خاک نیاز به باز نگری داشته باشد.
- از کاربرد کودها به خصوص نیتروژن در خاک‌های خیلی مرطوب پرهیز شود. برای جلوگیری از تصعید کود تا جایی که ممکن است کود زیر سطح خاک قرار داده شود. تنظیم زمان کود دهی برای حداقل کردن فرآیند دنیتریفیکیشن (تبدیل نیترات به اکسید نیتروس یا نیتريت) یا تصعید ضروری است.
- حتی‌الامکان توجه به پوشش زمین در طول کاشت و در زمان کشت‌های جایگزین و کشت‌های چرخشی برای جذب گاز کربنیک و کاهش فرسایش.
- کاشت گیاهان علوفه‌ای در تناوب کاشت به هدف افزایش مواد آلی و عضوی خاک یا افزودن کامپوست برای بهبود ساختمان خاک و پرهیز از بروز شرایط غیر هوایی خاک.
- پایش مستمر شوری خاک.

آب آبیاری

تأثیر تغییر اقلیم

تغییر الگوی بارش‌ها و تغییر نوسانات بارندگی موجب کاهش دسترسی به آب آبیاری در برخی مناطق در بعضی از فصل‌ها خواهد شد. • نوسانات تأمین آب و کاهش آلودگی رودخانه‌ها ممکن است باعث افزایش شوری آب آبیاری، کاهش کیفیت آب و تأثیر منفی در رشد گیاهان و حاصل خیزی خاک و کاهش جذب گاز کربنیک شود.

گزینه‌های سازگاری با شرایط تغییر اقلیم

- توسعه و بهبود تکنیک‌های آبیاری در سطح مزارع، برنامه‌ریزی مناسب آبیاری، بهبود سیستم‌های انتقال و توزیع آب و بهبود بازده کاربرد آب در مزرعه. به عنوان مثال تکنیک‌های کم آبیاری می‌تواند باعث افزایش بازده مصرف آب شود.
- افزایش نسبت آبی که به ناحیه ریشه می‌رسد از طریق پایش بهتر رطوبت خاک به منظور بهبود زمان کاربرد آب آبیاری و تنظیم مقدار آن.
- استفاده مؤثر از تکنیک‌های مدیریت آب در مزرعه. مثلاً تغییر آبیاری از سطحی و بارانی به آبیاری بارانی خرد قطره‌ای سطحی و زیر سطحی.
- افزایش ظرفیت نگهداری بیشتر خاک برای سازگاری بیشتر با نیاز آبی.
- پایش پیوسته رطوبت یا بهره‌گیری از رایانه برای کنترل رطوبت خاک برنامه‌ریزی آبیاری برای تنظیم دفعات آبیاری و مدیریت شوری خاک.
- کاهش استفاده از منابع آب کمیاب برای آبیاری گیاهان کم ارزش.
- تشویق کشاورزی حفاظتی و حفاظت خاک و آب با برگرداندن گاه و گلش و بقایای گیاهی و محصولات جانبی دیگر. این اقدام علاوه بر تأثیر بر حفظ خاک و رطوبت، به





افغانستان در تولید ۵۶ نوع کالای مصرفی 'به خود کفایی رسیده'

کابل، ننگرهار، قندهار، هرات و مزار شریف هستند. به گفته وی، فابریکه‌های جدید، صنعتی و زراعتی خواهد بود تا محصولات کشاورزی در آن‌ها پرورس و آماده صادرات شود.

همچنین رحیم‌الله سمندر، رئیس اتاق معادن و صنایع این کشور نیز در گفتگوی گفت که افغانستان در بخش مواد ساختمانی از ذوب آهن برای تولید سیخ گول گرفته تا صنایع پی وی سی و پلاستیک خودکفا شده است. آقای سمندر همچنین گفت که واردات نوشابه‌های غیر الکولی به کمترین حد رسیده و فابریکه‌های داخلی در بخش‌های مختلف تولید مواد خوراکی سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

به گفته وی، برخی از اقلام تولیدی افغانستان به برخی از کشورهای همسایه نیز صادر می‌شود. بر اساس آمارهای ارایه شده، افغانستان در سال جاری به ارزش معادل ۴۲۴ میلیون دلار صادرات داشته که به تناسب سال قبلی آن بیش از دو درصد کاهش را نشان می‌دهد. بیشترین میزان صادرات مربوط به میوه خشک است. بعد از آن گیاهان طی، میوه تازه، سبزیجات و قالی از اقلام عمده صادراتی افغانستان است. اما از آنجایی که افغانستان یک کشور وارداتی است حجم واردات آن به مراتب بیشتر از صادرات آن است. کالاهایی که افغانستان از خارج وارد می‌کند، شامل مواد نفتی، گندم، ماشین آلات، روغن خوراکی، منسوجات، محصولات فلزی و برق است. اداره احصایه یا آمار افغانستان، کل واردات این کشور را ۸.۳ میلیارد دلار یک در سال اعلام کرده است.

خوراکی مانند شیرینی باب، آیسکریم (بستی)، پرورس آرد و تولید خوراکی‌های بسته بندی شده هم افغانستان به مرز خود کفایی رسیده است.

افغانستان در چند قدمی خودکفایی در تولید لبنیات ایران مقام اول را در صدور کالا به افغانستان گرفت دولت افغانستان استراتژی برای تقویت صادرات می‌سازد نثار احمد غوریانی وزیر صنعت و تجارت افغانستان امروز یکشنبه، پنجم دلو/بهمن در نشست گزارش‌دهی ادارات دولتی در کابل گفت که شیوع ویروس کرونا با آنکه باعث رکود فعالیت تعدادی از فابریکه‌های تولیدی شد اما با رفع تدریجی محدودیت‌ها حدود ۳۰۰ فابریکه جدید شروع به کار کردند.

وی گفت که این وزارت در تلاش رونق صنایع تولیدی با ایجاد پنج فابریکه جدید در پارک‌های صنعتی در

وزارت صنعت و تجارت افغانستان اعلام کرده که سطح تولیدات داخلی این کشور با وجود محدودیت‌های ناشی از کرونا، در سال جاری خورشیدی افزایش داشته و این کشور در حال حاضر قادر است که از صد قلم کالای مصرفی ضروری، ۵۶ مورد آن را در داخل کشور تولید کند.

این تولیدات شامل مواد ساختمانی، مواد غذایی، صنایع پلاستیک، لبنیات و نوشیدنی‌ها است. بر اساس آمارهای ارایه شده، تولیدات کارخانه‌های داخلی در بخش تولید آب معدنی، نوشیدنی‌های غیر الکلی، صنایع پلاستیک و برخی اقلام ساختمانی به حدی رسیده که این کشور را از واردات اجناس مشابه خارجی بی‌نیاز کرده است. همچنین به گفته مقام‌های این کشور در بخش تولید مواد





آمریکا روند صدور ویزای ویژه مهاجرت برای هزاران افغان را از سر می‌گیرد

بود، رسیدگی خواهد شد. براساس اعلام وزارت خارجه آمریکا، بیش از ۷ هزار ویزای ویژه مهاجرت که کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۰ به افغان‌ها اختصاص داده بود، صادر نشد. همچنین در سال ۲۰۱۹ حدود پنج هزار ویزای توافق شده از سوی کنگره به افغان‌ها داده نشده بود.

نظر به آمار سال گذشته این نهاد، طی مراحل درخواست حدود ۱۹ هزار متقاضی از سپتامبر ۲۰۱۹ متوقف شده است. بنابراین آمار کلی درخواست‌ها ممکن است بیشتر از آن باشد.

ویزای ویژه برای شهروندان افغانستان که به خاطر کار با نیروهای آمریکایی با تهدید روبه‌رو هستند یک روند پیچیده و طولانی دارد که تا حد اکثر سه سال هم ممکن است طول بکشد.

انتقادهایی از روند طولانی دریافت این ویزا مطرح بوده است و با توجه به بدتر شدن شرایط امنیتی برخی از متقاضیان و واجدان شرایط این ویزا گفته‌اند که این روند طولانی آنها را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد.

این روند، بخش کنسولی این سفارت درخواست‌های جدید را خواهد پذیرفت. در بیانیه همچنین تأکید شده است که به دلیل رعایت موارد بهداشتی مرتبط به کرونا، شمار قرارهای مرتبط با ویزا کمتر خواهد بود.



پیش از این روزنامه واشنگتن پست گزارش داده بود که این روند پس از آغاز دولت جدید آمریکا از سر گرفته خواهد شد و به هزاران درخواست که طی مراحل آن متوقف شده

سفارت آمریکا در کابل اعلام کرد روند صدور و طی مراحل "ویزای ویژه مهاجرت" برای شهروندان افغانستان را در اوایل ماه آینده میلادی (فوریه/فبروری) از سر می‌گیرد.

ویزای اقامت به آمریکا برای افغان‌هایی داده می‌شود که با نیروهای آمریکایی و آمریکایی‌های دیگر در افغانستان کار کرده‌اند و به این دلیل زندگی‌شان با خطر روبه‌رو است.

این روند به دلیل احکام مهاجرتی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا متوقف شده بود ولی با روی کار آمدن دولت جدید آمریکا اکنون از سر گرفته می‌شود.

سفارت آمریکا در کابل در بیانیه‌ای نوشته است که مرحله اول رسیدگی به درخواست‌های قبلی و دسته‌بندی متقاضیان و تنظیم مصاحبه‌ها با درخواست‌کنندگانی که قبلاً قرار مصاحبه‌شان به دلیل شرایط کرونا لغو شده، خواهد بود.

سفارت آمریکا افزوده که پس از تکمیل

کارگاه آموزشی

مدیریت خشم



کارگاه دو روزه‌ای را تحت نام "مدیریت خشم" با توزیع تصدیق‌نامه برای بیش از ۹۰ تن از علاقه‌مندان این موضوع از سوی شورای متخصصان هرات پایان یافت. مسوولان برگزارکننده، برگزاری این کارگاه را در جامعه امروز افغانستان مهم تلقی کرده و می‌گویند، امید است که این کارگاه بتواند به آگاهی مردم جامعه در مورد کنترل خشم کمک کند.

در همین حال، تعدادی از اشتراک‌کننده‌های این کارگاه آموزشی، برگزاری برنامه‌های آگاهی‌دهی این چنینی را برای فهمیدن راه‌های کنترل خشم و جلوگیری از تبعات منفی عدم کنترل این پدیده مثبت می‌دانند.

سمیه عثمانی؛ یکی از اشتراک‌کننده‌های این کارگاه آموزشی بیان می‌کند، کنترل خشم از موضوعاتی است که آگاهی در مورد آن نیاز عمده محسوب می‌شود.

وی گفت: تجربه اجتماعی من نشان می‌دهد که بسیاری از افراد در جامعه ما توانایی کنترل خشم را ندارند و این عدم کنترل خشم در بین جوانان بیشتر دیده می‌شود، بنابراین برگزاری این چنین برنامه آگاهی‌دهی الزامی است.

معروف احراری که از دانشجویان روان‌شناسی است ابراز داشت، با آنکه من دانشجوی روان‌شناسی هستم، اما کمتر شاهد برگزاری کارگاه‌های آموزشی از این دست بوده‌ام.

او اضافه کرد، امید است که برنامه آموزشی روان‌شناختی بیشتری از سوی شورای متخصصان هرات برگزار شود.

با این حال، محمد فرید فایز استاد پوهنتون / دانشگاه که مسوولیت تدریس این کارگاه آموزشی را داشت گفت که "از آنجاییکه در جامعه ما مشکلات زیادی باعث فشارهای روانی روی افراد می‌شود و همین فشارها باعث افزایش بروز خشم می‌شود، بنا براین برگزاری این کارگاه‌های آموزشی نیاز مبرم است.

آقای فایز افزود، مسوولیت نهادهای آکادمیک، تعلیمی و آموزشی است که در مورد کنترل خشم آگاهی‌رسانی کنند و حتی کارگاه‌های در مورد راه‌های کنترل خشم را برای افراد که سن شان بالا نیز است برگزار کنند.

در این کارگاه روی این موضوعات بحث شد: تعریف مدیریت خشم، روش‌های مدیریت خشم، عوامل فردی خشم، عوامل برانگیزه خشم و تاکتیک‌های تخلیه خشم.

قابل ذکر است که این کارگاه روز چهارشنبه، ۱۲ قوس و پنجشنبه، ۱۳ قوس در شورای متخصصان هرات برگزار شد.

شورای متخصصان از آوان تأسیس خود کارگاه‌های آموزشی و تخصصی را در دوره‌های مختلف برگزار کرده است.

اقدامات مؤثر کاهش گازهای گلخانه‌ای

- مدیریت خاک و خاک ورزی برای حداقل کردن تلفات نیتروژن
- اطمینان از زهکشی خوب و مؤثر برای کاهش احتمال غرقاب شدن خاک و کاهش رطوبت خاک در شرایط لازم
- پرهیز از دادن کود به خاک اشباع به خصوص کودهای نیتراژ (در صورت لزوم تا جایی که ممکن است کود به پشته‌ها که اشباع نیستند داده شود).
- افزایش مواد آلی خاک با قرار دادن گیاهان علوفه در تناوب کشت و اضافه کردن مواد کامپوست به خاک.
- افزودن ملج به خاک به منظور بهبود ساختمان خاک و پرهیز از ایجاد شرایط غیر هوازی.
- تا جایی که ممکن است سطح خاک با گیاه پوشش داده شود تا از تلفات نیتروژن به وسیله آبشویی و یا فرایند دنتریفیکیشن جلوگیری شده و یا کاهش داده شود.
- از سوزاندن بقایای گیاهی به خاک برگردانده شوند و تا جایی که ممکن است عملیات هرس و شاخه‌بری به جای سوزاندن انجام شود.
- کاربرد کود نیتروژن در طول دوره رشد بر اساس محاسبه نیتروژن مورد نیاز گیاه بر مبنای عملکرد مورد هدف انجام شود تا از کاربردی زیادی آن جلوگیری گردد و راهکارهای مصرف بهینه برای آن جستجو شود.
- خاک و گیاه بیش از کاربرد کود آزمایش شوند و میزان نیتروژن قابل دسترس بر آورد گردد.
- تا جایی که امکان دارد کود در زیر سطح خاک قرار داده شود تا تصعید محلول آمونیاک یا بخار آن محدود شود.

مدیریت انتشار گاز میتان از دامپروری‌ها



علوفه، تولید می‌شود. بر اساس آمار موجود تولید متان در استرالیا که صنعت دامپروری آن رونق دارد از طریق دامپروری‌ها حدود ۱۲٪ کل تولید گازهای گلخانه‌ای این کشور می‌باشد. تغییر مدیریت مزرعه در به کارگیری تکنیک‌هایی که هر چه بیشتر این انرژی تغذیه را به انرژی تولید تبدیل کند می‌تواند انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهد و بازده پرورش دام را نیز بهبود بخشد. هر اقدامی در مورد مدیریت تغذیه، بهبود خوراک دهی، بهداشت دام، مدیریت گله‌های دامی و اصلاح ژنتیک می‌تواند به کنترل گازهای گلخانه‌ای و بهبود عملکرد کمک کند. بهبود کیفیت چراگاه‌ها، افزودن تکمیل کننده‌های غذایی به خوراک دام، همانند غلات یا دیگر خوراکی‌های فشرده ی ترکیبی به خصوص در طول فصل تابستان، مدیریت محتویات خوراک دام و افزایش کیفیت و ارزش خوراک دام جز کارهای است که تولید را بهبود و انتشار گاز متان را کاهش می‌دهند. بالا بودن هریک از ترکیبات نیتراژ، فسفات و پتاسیم در کودها و فضولات دامی می‌تواند ناشی از تغذیه ناقص و غیر مؤثر باشد. به همین دلیل توجه به تغذیه سالم و اصولی دام می‌تواند بازده تولید دام فرآوردهای دامی را افزایش دهد و کمکی به محیط زیست و کاهش گازهای گلخانه‌ای مؤثر باشد. تجزیه ضایعات و فضولات از دامپروری‌ها و پرورش دام به صورت متمرکز و صنعتی یکی از منابع تولید گازهای دی اکسید کربن و اکسید نیتروس است. تخمین زده می‌شود در کشور استرالیا حدود ۵/۹ درصد از گازهای گلخانه‌ای از طریق تجزیه فضولات دامی تولید می‌شوند. در حقیقت بالا بودن گازهای گلخانه‌ای در فضولات دامی به علت وجود مقدار زیادی مواد آلی، رطوبت، کاربوهایدrideای پیچیده و میزان بالایی از عناصر می‌باشد.

کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در سطح مزرعه

یک راهکار عملی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای توسعه پوشش گیاهی و جنگل کاری است که موجب جذب دی اکسید کربن توسط گیاه و تثبیت آن در خاک می‌شود. ذخیره کربن در خاک می‌تواند به کاهش انتشار این گازها کمک کند. درختان و دیگر گیاهان در حین رشد و در طول فرآیند فوتوسنتز، دی اکسید کربن هوا سپهر را جذب می‌کنند کربن در بدنه گیاهان (برگ ریشه شاخه) ذخیره شده و اکسیژن به هوا سپهر بر می‌گردد. کربن یک عنصر اساسی در خاک‌ها خوب است که موجب حاصلخیزی خاک، بهبود ظرفیت نگهداری آب در خاک، هوادهی بهتر، تسهیل در تحرک عناصر غذایی و فراهم آوردن یک محیط مطلوب‌تر برای استقرار بهتر و رشد گیاهان می‌شود کربن ذخیره شده در خاک در مقایسه با کربنی که در هوا سپهر به صورت دی اکسید کربن فعال است موجب کاهش اثر منفی گازهای گلخانه‌ای می‌شود. حفاظت از گیاهان موجب جذب دی اکسید کربن می‌شود ذخیره کربن در خاک توسط گیاهان یکی از راه‌هایی است که موجب کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای شده و عملکرد زراعی را بهبود می‌بخشد. در این خصوص به منظور کمک به جذب و ذخیره کربن در خاک می‌توان موارد زیر را مورد توجه قرار داد.

- احداث ایستگاههای جدید درخت کاری (جنگل کاری)، انتخاب گونه‌های مناسب و موقعیت مناسب برای زنده ماندن و رشد حداکثر.
- تشویق تولید و رشد دادن مجدد گونه‌های درختی و مرتعی بومی و دور نگهداشتن حیوانات با حصار کشی (فنس) یا هر تدبیر دیگر.
- حفاظت گیاهان بومی از آتش سوزی، شخم و تخریب توسط حیوانات.
- تخمین و برآورد مقدار کربن قابل جذب توسط جنگل‌ها و گیاهان (در استرالیا نرم افزاری تحت عنوان ابزار محاسبه کربن برای این هدف تدوین شده و استفاده می‌شود).
- انتخاب و کار برد شخم حفاظتی.
- برگرداندن بقایای گیاهی به خاک و پرهیز از سوزاندن گاه و گلش.
- استفاده از کودهای حیوانی برای حاصلخیزی خاک و تأمین عناصر غذایی مورد نیاز درختان.
- پرهیز از آیش گذاشتن خاک.
- کنترل چرا و جلوگیری از چرای بی‌رویه برای جلوگیری از لخت شدن گیاهان.
- در نظر گرفتن تناوب کشت با گیاهان علوفه‌ای سالانه و کاشت مخلوط گیاهان علوفه‌ای با لیکوم‌ها همانند یونجه یک ساله.
- اهمیت نقش جنگل‌ها در جذب گازهای گلخانه‌ای و ترسیب کربن به منظور کاهش اثرات تغییر اقلیم، یکی از نامزدهای انتخاباتی پست نخست وزیری استرالیا را واداشت که اصلی‌ترین شمار انتخاباتی خود را در سال ۲۰۱۰ توسعه جنگل‌ها انتخاب کند. این شعار در مقابل شعار اصلی نامزد رقیب که افزایش سرعت اینترنت به ۱۰۰ مگابایت در ثانیه مطرح شده بود قرار داشت.

بهبود بازده انرژی مصرفی در سطح مزرعه

بهبود بازده انرژی در عملیات زراعی و بهره‌گیری از سوخت‌های جایگزین به جای سوخت‌های فسیلی موجب می‌شود انتشار گازهای گلخانه‌ای کاهش پیدا کند و در عین حال در هزینه‌های برق و سوخت نیز صرفه‌جویی به عمل آید. در این خصوص موارد زیر را می‌توان مورد توجه قرار داد.

- انتخاب تجهیزات و ادوات جدید با توجه به بازده انرژی دستگاهها.
- در صورت امکان تغییر مصرف از گازویل به گاز مایع و توجه جدی به منابع انرژی تجدید پذیر همانند انرژی باد (نصب توربین‌های بادی)، انرژی خورشیدی، انرژی زمین گرما، انرژی آب و انرژی زیست توده.
- جایگزین ماشین آلات پر مصرف با ماشین آلات کم مصرف انرژی یا بازده بالاتر.
- استفاده بهینه از نور طبیعی و تهویه هوا در ساختمان‌های پرورش دام و طیور.
- ایزوله کردن ساختمان‌ها، لوله‌های انتقال آب گرم و سرد و مخازن نگهداری آب.
- نصب لامپ‌های کم مصرف در ساختمان‌های تولیدی مزارع.
- نگهداری و سرویس پیوسته ماشین آلات.
- کاربرد شخم حفاظتی و کنترل ترافیک در مزارع بزرگ (کاهش رفت و آمد ماشین آلات سنگین در سطح خاک به خصوص در شرایطی که رطوبت بالاست).
- بهبود بازده کودهای شیمیایی و سموم.
- هماهنگ کردن توان پمپ‌های مورد نیاز آبیاری با توان موتورهای محرک آنها.

• بهره‌گیری از پایش رطوبت خاک به منظور بهبود بازده آبیاری و در نتیجه مصرف کمتر انرژی جهت تأمین و توزیع آب آبیاری.

یافته‌های معتبر و عدم قطعیت‌های کلیدی تغییر اقلیم تغییر در نیروهای طبیعی و انسانی در پیوند با اقلیم یافته‌های اساسی

- غلظت فعلی گاز کاربنیک و گاز متان در هوا سپهر و عوامل تأثیر گذار بر آن‌ها بسیار بیشتر از مقداری است که از طریق اندازه‌گیری یخ‌های دوران قدیم که تا ۶۵۰۰۰ سال گذشته را در برمی‌گیرند تخمین زده می‌شود.
- سوخت‌های سنگواره‌ای و تغییر کار بری زمین و انواع فعالیت‌های کشاورزی دلایل اصلی افزایش این نوع گازهای گلخانه‌ای در طول ۲۵۰ سال گذشته بوده است.
- مقدار انتشار سالانه گاز کاربنیک حاصل از سوخت‌های سنگواره‌ای، تولید سیمان و دیگر فعالیت‌ها از میزان $4/0 + 4/6$ گیگاتن کربن در سال در دهه ۱۹۹۰ به مقدار $3/0 + 2/7$ گیگاتن کربن در سال در دوره پنج ساله ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ رسیده است.
- سرعت افزایش نیروهای تابشی حاصل از گازهای کاربنیک، متان و نیتروس در ۴۰ سال اخیر دست کم در طول ۲۰۰۰ سال گذشته بیشتر از هر زمان دیگر بوده است.
- فرآیند طبیعی جذب گاز کاربنیک توسط اقیانوس‌ها و لایه بیوسفیر زمین باعث کاهش حدود ۵۰ تا ۶۰ درصد گردیده است.

(تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن بر منابع آب و محیط زیست تألیف داکتر علی مرادحسن‌لی انتشارات جهاد دانشگاه مشهد سال ۱۳۹۰)



تغییرات اقلیمی در افغانستان

تغییرات آب موجود در کشور، تغییر پذیرای‌های مهم را در سراسر حوضه‌های دریایی و نیمه دریایی، جا داده است. تقسیم آب موجود با موقعیت زمین‌های قابل آبیاری و جمعیت مستقر، اکثراً با هم تطابق دارد. علاوه بر آن، دسترسی به آب در افغانستان وابسته به تغییرات اقلیمی، توصیف گردیده است. همچنان این کشور دارای ظرفیت پایین ذخیره آب در منطقه می‌باشد.

تخریبی کیفیتی محیط زیستی و ضیاع منابع، یکی از بزرگترین چالش‌ها در انکشاف افغانستان می‌باشد. بین سال‌های ۱۳۶۹/۱۳۷۹ هجری شمسی، افغانستان سالانه ۲۹۴۰۰ هکتار جنگل را از دست داده است که ضایعات جنگلات سالانه اوسطاً در حدود ۲.۲۵٪ می‌باشد که این در بین سال‌های ۱۳۷۹/۱۳۸۴ هجری شمسی به ۲.۲۹٪ افزایش یافته است. در حال حاضر جنگلات طبیعی کشور کمتر از ۲٪ کل مساحت کشور را احتوا می‌کند. چراگاه‌ها به زمین‌های زراعتی گندم للمی مبدل می‌گردد که مساحت وسیع در معرض باد و فرسایش خاک قرار می‌گیرد.

گزارش شده است که افغانستان دارای ذخایر قابل ذکر معادن (به ارزش بیشتر از یک تریلیون دالر امریکای) می‌باشد. اما بخش اعظم این سرمایه در زیر زمین دفن بوده انتظار انکشاف زیربنای لازم می‌باشد که بتواند معادن را به بازارهای جهانی متعارف نماید. معادن مس عینک و آهن حاجی‌گگ هر دو برای مزایده رقابتی عرضه شده اند (گمان می‌رود که در منطقه دو ذخیره بزرگ باشند). برای مزایده رقابتی عرض شده‌اند علاوه بر ذخایر مس و آهن افغانستان دارای مقدار زیاد گاز طبیعی، سنگ آهک (چونه)، ذخایر مهم طلا و سایر منابع معدنی و احجار گران‌بهای می‌باشد. مهمترین انکشاف در کشور منزلی افغانستان عبارت از به مزایده گذاشتن استخراج ذخایر مس عینک به همکاری بانک جهانی می‌باشد. (۱/ص ۲)

نتیجه موفقانه عقد قرارداد از جمله ۸۰۸ میلیون دالر امریکایی حق‌الامتياز، پرداخت ۸۰۸

میلیون دالر امریکایی بطور اولین قسط برای انکشاف این ذخیره، به دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌باشد، قرار داد مذکور همچنان شامل جدول قابل تطبیق حقوق‌الانتفاع می‌باشد که با صعود قیمت فلز، افزایش می‌آید. بعد از موفقیت در ذخایر مس عینک، دولت در حال حاضر پروسه مزایده برای معادن حاجی‌گگ (یکی از بزرگترین ذخایر در آسیا) و همچنان سه ذخیره پترول را عرضه نموده است. مزید بر آن در سال ۱۳۸۷ هـ ش دولت اسلامی افغانستان با تأیید اصول ابتکار شفافیت صنعت استخراجی (EITI) تعهد خویش را برای حکومت‌داری شفاف و جوابده سکتوری، اظهار نموده است.

اوضاع ملی

افغانستان یک کشور کوهستانی و محاط به خشکه بوده که در آسیای جنوب و مرکزی موقعیت دارد. جمعیت آن تقریباً ۲۶ میلیون و دارای ۶۴۷۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت می‌باشد. حدود اربعه آن، در جنوب شرق کشور پاکستان، در غرب آن ایران و در شمال آن کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و تاجکستان و در انتهای شمال شرق آن کشور چین قرار دارد. قلمرو کنونی افغانستان، بخش مهم راه ابریشم و مهاجرت بشری بوده است. این کشور دارای اقلیم خشک و نیمه خشک قاره‌ای با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم می‌باشد. به سبب تغییرات چشمگیر توپوگرافی، اقلیم کشور از یک ساحه الی ساحه دیگر تفاوت قابل ملاحظه دارد. فصل مرطوب معمولاً از زمستان الی اوایل بهار دوام می‌کند اما کشور در مجموع خشک که در دسته بندی اقلیم صحرایی و جلگه‌یی قرار می‌گیرد.

از لحاظ تئوری، افغانستان یک کشور کم آب نیست. این کشور در مجموع دارای تخمین ۲.۷۷۵ متر مکعب آب سطحی برای فی نفر در سال می‌باشد علی‌الرغم آن، فقدان ظرفیت‌ها استفاده کامل از این منابع وافر را محدود می‌سازد. مقدار نسبتاً وافر آب موجود در کشور، تغییر پذیری‌های مهم را در سراسر حوزه‌های دریایی و نیمه دریایی، جاداده است تقسیم آب موجود با موقعیت زمین‌های قابل آبیاری و جمعیت مستقر، اکثراً با هم تطابق ندارد. علاوه بر آن دسترسی به آب در افغانستان وابسته به تغییرات اقلیمی، توصیف گردیده است. همچنان این کشور دارای ظرفیت پایین ذخیره آب در منطقه می‌باشد.

تخریبی کیفیتی محیط زیستی و ضیاع منابع، یکی از بزرگترین چالش‌ها در انکشاف افغانستان می‌باشد. بین سال‌های ۱۳۶۹/۱۳۷۹ هجری شمسی، افغانستان سالانه ۲۹۴۰۰ هکتار جنگل را از دست داده است که ضایعات جنگلات سالانه اوسطاً در حدود ۲.۲۵٪ می‌باشد که این در بین سال‌های ۱۳۷۹/۱۳۸۴ هجری شمسی به ۲.۲۹٪ افزایش یافته است. در حال حاضر جنگلات طبیعی کشور کمتر از ۲٪ کل مساحت کشور را احتوا می‌کند. چراگاه‌ها به زمین‌های زراعتی گندم للمی مبدل می‌گردد که مساحت وسیع در معرض باد و فرسایش خاک قرار می‌گیرد.

در افغانستان ارقام قابل اعتبار در مورد انرژی به اندازه خود انرژی، کمیاب می‌باشد. در سال ۱۳۸۴ هـ ش پیش بینی گردیده بود که ۲۰٪ جمعیت برای ساعات محدود در روزهای مشخص، به انرژی عامه دسترسی خواهد داشت. در سطح کشور اکنون هفت شبکه انرژی، برق آبی تولیدی و برق حرارتی را توزیع می‌نمایند. از سال ۱۳۸۱ هـ ش به اینطرف برق دیزلی بطور فوق‌العاده افزایش یافته است و احتمال دارد که در فراهم نمودن برق نقش بارز داشته باشد. جمعیت روستایی، از مواد سوخت عنعنوی محلی، سیستم‌های برق آفتابی، بطری، چوب، ذغال و تیل خاک برای تسخین و پخت وپز، استفاده می‌نمایند.

در مجموع، انرژی قابل تجدید بخصوص منابع انرژی روستایی یک امید بزرگ برای افغانستان می‌باشد انرژی قابل تجدید شامل سیستم‌های آبی، آفتابی، بادی، حرارت جیولوژیکی، بایوس و چوب می‌باشد. انرژی آبی (بزرگ و کوچک) منابع مهم‌اند که به کار انداخته نشده‌اند و تخمین می‌شود که افغانستان دارای ۱۸۴۰۰ میگاووات انرژی آبی دست ناخورده در کشور می‌باشد. مزید بر آن، این کشور دارای ظرفیت فوق‌العاده انرژی بادی به ظرفیت مجموعی بیشتر از (۱۵۸.۱۰۰ میگاووات) می‌باشد.

علاوتاً تخمین‌ها نشان داده‌اند که تابش آفتاب بطور اوسط ۶.۵ کیلووات فی ساعت در یک متر مربع در یک روز بوده و آسمان تقریباً ۳۰۰ روز در سال صاف می‌باشد. در نتیجه ظرفیت برای انکشاف انرژی آفتابی خیلی بالا بوده که نه تنها برای گرم کردن آب در منازل، شفاخانه‌ها و سایر تعمیرات، بلکه برای تولید برق نیز می‌توان استفاده نمود علاوتاً براینها، بایوماس/ بایوگاز و انرژی حرارتی و جیولوژیکی منابع مهم دیگر انرژی قابل تجدید برای مجتمعات محلی می‌باشد.

مطلب ادامه دارد ...



زنان ولسوالی‌های هرات خواهان تأمین

امنیت هستند



گزارشگره فریبا اکبری

در جنگ بین طالبان و دولت آسیب دیده است و دیگر کار کرده نمی‌تواند و با زخمی شدن او دیگر وضعیت اقتصادی ما ضعیف شده و مهاجر شدیم." او بیان می‌کند، جنگ، مادرها را داغ‌دیده کرده و نباید این داغ‌دیدی‌ها ادامه پیدا کند. سهیلا دختری است که پدرش را در نامنی‌های افغانستان از دست داده است. سهیلا می‌گوید: "ما زنان بیشترین آسیب دیده‌گان جنگ هستیم و اگر در افغانستان صلح بیاید، حاضرم خون پدرم را ببخشم" با این حال، سکینه حسینی عضو شورای ولایتی هرات در حالیکه برگزاری این برنامه‌ها را برای بلند کردن صدای قربانیان جنگ در افغانستان مثبت ارزیابی می‌کند، اما بیان می‌کند که من نسبت به مذاکرات صلح افغانستان خوش‌بین نیستم و کند پیش رفتن مذاکرات صلح نگرانی از وضعیت آینده زنان را نیز با خود به دنبال داشته است. گفتگوهای صلح افغانستان که در اوایل جنوری ۲۰۲۱ میلادی در قطر آغاز شد از چندی بدینسو به کندی پیش می‌رود. دولت افغانستان طالبان را مقصر این کندی می‌داند.

ولسوالی پشت‌کوه. از سوی هم شماری از زنانی که طی جنگ‌ها در ولسوالی‌ها اعضای



خانواده‌شان را از دست دادند می‌گویند که از جنگ خسته شدند و دیگر نباید خانواده‌ای بی‌سرپرست و مادری از جنگ داغ‌دیده شود. آمنه از زنانی که پسرش در جنگ‌ها آسیب دیده است، او می‌گوید: "پسرم یک فرد ملکی است که

شماری از زنان ولسوالی‌های هرات طی همایشی خواهان تأمین امنیت این ولسوالی شدند و از طرفین درگیر جنگ در افغانستان خواستند که آتش‌بس کنند. این همایش روز (چهارشنبه، ۸ دلو) تحت نام حمایت زنان از صلح برگزار شد. مسوولان برگزار کننده این همایش می‌گویند که هدف این برنامه بلند کردن صدای زنان مناطق ناامن به ویژه ولسوالی پشت‌کوه برای حمایت از صلح و ختم جنگ در افغانستان است.

نسیمه درویشی؛ برگزار کننده این همایش می‌گوید: "زنان مناطق ناامن بیشترین ضربه را از جنگ خورده‌اند و کسانی‌اند که به امکانات دسترسی ندارند و نمی‌توانند صدای خود را به گوش مسوولان برسانند و من امیدوارم که این برنامه بتواند برای ختم جنگ و تأمین امنیت ولسوالی پشت‌کوه تأثیر مثبت داشته باشد برای ختم جنگ و تأمین امنیت



در زمان شیوع کرونا، زنان کمتر به عدالت دسترسی داشتند



گزارشگر: فریبا لاکیری

زهره رحمانی وکیل مدافع، بیان می‌دارد عوامل مختلف دخیل است که زنان را از داشتن دسترسی به عدالت محروم می‌کند، اما سال ۲۰۲۰ میلادی به دلیل شیوع کرونا و رخصتی ادارات دولتی زنان نسبت به هر سال دیگری کمتر به عدالت دسترسی داشتند. رحمانی اضافه می‌کند، فساد اداری و طولانی بودن روند تکمیل دوسیه‌های خشونت علیه زنان از عوامل دیگری است که زنان را وادار می‌کند که از پی‌گیری قضایی خود در ارگان‌های قضایی و عدلی کشور دست بکشند. پیش از این نهادهای بین‌المللی نیز از افزایش خشونت‌های خانگی علیه زنان در زمان شیوع ویروس کرونا ابراز نگرانی کرده بودند. به تازگی وزارت امور زنان کشور اعلام کرده که در سال ۱۳۹۹ - ۳۸۰۰ قضیه خشونت علیه زنان در کشور به ثبت رسیده است.

سلیمی افزود، در زمان شیوع کرونا دسترسی زنان به عدالت کم بوده و زنانی که در ولسوالی‌ها زندگی می‌کنند به هیچ ارگان رسمی برای تطبیق عدالت دسترسی ندارند و قضیه‌های خشونت علیه زنان در این ولسوالی‌ها توسط شورای‌های محل بررسی می‌شود. وی گفت: دولت مکلف است که برای دسترسی به عدالت امکانات فراهم کند. با این حال، فرشته یعقوبی یکی دیگر از فعالان حقوق زن تأکید می‌کند، تازمانی که زنان به عدالت دسترسی نداشته باشند، از بین بردن خشونت علیه زنان امکان پذیر نخواهد بود. با این وجود، آگاهان حقوقی در هرات می‌گویند، فساد اداری از عوامل دیگر است که دسترسی زنان به عدالت را برای بررسی خشونت ناممکن ساخته است.

شماری از فعالان حقوق زن در هرات با برگزاری کنفرانسی نگرانی خود را از افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت در افغانستان ابراز داشتند و بیان کردند که زنان در زمان شیوع کرونا دسترسی کمتری به عدالت داشتند. مسوولان شبکه زنان افغان که این کنفرانس را برگزار کرده می‌گویند، با آنکه در زمان شیوع کرونا زنان کمتر برای ثبت قضایی خشونت خود به مراکز عدلی و قضایی مراجعه می‌کردند، اما با آن هم ۳۰۳ مورد خشونت علیه زنان در این ولایت ثبت شده است. حلیمه سلیمی، مسوول شبکه‌ی زنان افغان ابراز می‌دارد، براساس معلومات دادستانی کل کشور بیشتر خشونت‌های ثبت شده علیه زنان در زمان شیوع کرونا، لت و کوب بوده است که از سوی خانواده‌ها صورت گرفته و این نگران کننده است.



**گفت و شنود با سوسن بهبودزاده
اولین شاروال زن در هرات**



شورای منتخب معلمان ولایت هرات
همایش رسانه ای معلمان ولایت هرات جهت توازن
ویکسان سازی معاشات معلمان و کارکنان دولتی

**معلمان هرات:
ما از دولت خیرات نه؛
افزایش معاش
می خواهیم**

**تجلیل از پانصد و هشتادمین سال تولد
امیر علی شیر نوایی از سوی دفتر تیکا**



TAKHASOS

Monthly 148 - 149

تصاویری از آرامگاه خوابه محمد طاتی

